

عوامل کودتای امریکایی ۲۸ مرداد...
رهنمودی برای مشکلات کشاورزی
منتشاء «سیا» و سازمانهای آن
چه کسانی عامل فرار سرلشکر غفاری...

چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۵۸



سال اول شماره ۴۰

ما آمریکای جنایتکار را اصلی ترین دشمن
خلفهای مستضعف جهان و عامل عمده
اسارتها و بدبختیهای فرهنگی -
اقتصادی و سیاسی ملت‌های مستضعف و
زیر سلطه می‌دانیم.

قطعنامه گردهمایی جنبش‌های
آزادبخش

بها ۱۵ ریال

ارزیابی اصولی از انتخابات ریاست جمهوری

● هدف برنامه گاندها نباید تنها معطوف به جلب آراء مردم باشد، بلکه باید پایه اصولی داشته باشد، باید هشدار بود که کدام نیروها و با چه انگیزه‌هایی به گاندها رأی میدهند و آرایش نیروها سرانجام بسود کدام جبهه و خط (اصبرالیسم یا خلق) خواهد بود.

تلاش ما در همه حال بر این است که مسایل سیاسی و اقدامات عملی را از دیدگاه مکتب بنگریم و تحلیل کنیم و مکتب را مصراسته راهشای عمل و تصمیم گیری قرار دهیم.

تلاش ما در همه حال متوجه این اصل است که وسایل را متناسب با هدف و منطق با معیارهای مکتب انتخاب کنیم و هدف را در طرف نریای زمانی خود، مورد توجه قرار دهیم و از هر نوع مطلق اندیشی و ذهنی گرای برهیز نمانیم.

تلاش ما بر این است که تشکیلات و سازمان و قدرت سیاسی را صرف ساهیل و ابزارهایی در راه وصول به اهداف مکتبی بدانیم و سعی کنیم هرگز هدف را فدای وسایل و اصول را فدای سیاست و قدرت نمانیم - ما با این واقفیت آشنا هستیم که

کفایت یک فرد با یک جریان و گروه نمی‌باشد. تاریخ نشان می‌دهد و واقفیتا ثابت می‌کند که بیروزی حق تنها در فراز مدت میسر است و شکست و بیروزی در کسب قدرتهای سیاسی و برخوردارگی از رأی اکثریت مردم یا در اقلیت بودن هیچگاه نمی‌تواند تنها ملاک تشخیص حق و باطل باشد.

بررسی زمینه‌ها و شرایط انتخابات

اکنون با هم به بررسی زمینه‌ها و شرایط انتخابات ریاست جمهوری و معیارها و ملاکهای ارزیابی و موضع گیری صحیح و مکتبی و مسئولیتهای خود در قبال مسأله‌ای که فراراه ماست بپردازیم:

۱ - یک انقلاب بعد از کسب قدرت سیاسی و

تلاش ما بر این است که تشکیلات و سازمان و قدرت سیاسی را صرف ساهیل و ابزارهایی در راه وصول به اهداف مکتبی بدانیم و سعی کنیم هرگز هدف را فدای وسایل و اصول را فدای سیاست و قدرت نمانیم - ما با این واقفیت آشنا هستیم که

کفایت یک فرد با یک جریان و گروه نمی‌باشد. تاریخ نشان می‌دهد و واقفیتا ثابت می‌کند که بیروزی حق تنها در فراز مدت میسر است و شکست و بیروزی در کسب قدرتهای سیاسی و برخوردارگی از رأی اکثریت مردم یا در اقلیت بودن هیچگاه نمی‌تواند تنها ملاک تشخیص حق و باطل باشد.

تلاش ما بر این است که تشکیلات و سازمان و قدرت سیاسی را صرف ساهیل و ابزارهایی در راه وصول به اهداف مکتبی بدانیم و سعی کنیم هرگز هدف را فدای وسایل و اصول را فدای سیاست و قدرت نمانیم - ما با این واقفیت آشنا هستیم که

کفایت یک فرد با یک جریان و گروه نمی‌باشد. تاریخ نشان می‌دهد و واقفیتا ثابت می‌کند که بیروزی حق تنها در فراز مدت میسر است و شکست و بیروزی در کسب قدرتهای سیاسی و برخوردارگی از رأی اکثریت مردم یا در اقلیت بودن هیچگاه نمی‌تواند تنها ملاک تشخیص حق و باطل باشد.

آشنائی با لیبرالیسم اقتصادی

● برنامه ریزان اقتصادی دولت موقت تا آن حد به تئوریهایی بورژوازی دلبسته بودند که رئیس دولت، خلق مالکیتهای نامشروع را توسط دادگاههای انقلاب غیرقانونی میدانست.

در شماره گذشته، تحت عنوان کارنامه اقتصادی دولت موقت انقلاب، تحلیلی هر چند با جمال گوشه‌هایی از برنامه‌های اقتصادی دولت موقت را بخوانندگان عرضه کردیم. در قسمت دوم این بحث، برآنیم که با نگاه فکری برنامه ریزان اقتصادی دولت موقت را منحص سزایم و نشان دهیم که آنها از نظر تفکر اقتصادی، از چه مواضع فکری دفاع میکردند. عبارات دیگر، تحلیل آنها از اوضاع اقتصادی مملکت چه بود و چه عاملی باعث شد آنان عملکردی اصلاح طلبانه و غیر انقلابی را بسامعه تحمیل کنند. در مجموع، این گونه عملکردهای رفسورمیستی زیر عنوان لیبرالیسم جای میگیرد و ما سعی خواهیم کرد، نسخه مهمی از لیبرالیسم را که لیبرالیسم اقتصادی نام دارد، به بسط و بسط کنیم و نشان دهیم که چگونه برنامه ریزان اقتصادی دولت موقت از این طرز فکر بورژوازی الهام گرفتند. در ضمن در این تحلیل خواهیم دید که منتشاء بیدایش این مکتب اقتصادی چه

در شماره گذشته، تحت عنوان کارنامه اقتصادی دولت موقت انقلاب، تحلیلی هر چند با جمال گوشه‌هایی از برنامه‌های اقتصادی دولت موقت را بخوانندگان عرضه کردیم. در قسمت دوم این بحث، برآنیم که با نگاه فکری برنامه ریزان اقتصادی دولت موقت را منحص سزایم و نشان دهیم که آنها از نظر تفکر اقتصادی، از چه مواضع فکری دفاع میکردند. عبارات دیگر، تحلیل آنها از اوضاع اقتصادی مملکت چه بود و چه عاملی باعث شد آنان عملکردی اصلاح طلبانه و غیر انقلابی را بسامعه تحمیل کنند. در مجموع، این گونه عملکردهای رفسورمیستی زیر عنوان لیبرالیسم جای میگیرد و ما سعی خواهیم کرد، نسخه مهمی از لیبرالیسم را که لیبرالیسم اقتصادی نام دارد، به بسط و بسط کنیم و نشان دهیم که چگونه برنامه ریزان اقتصادی دولت موقت از این طرز فکر بورژوازی الهام گرفتند. در ضمن در این تحلیل خواهیم دید که منتشاء بیدایش این مکتب اقتصادی چه

استثمار مضاعف عشایر

گزارشی از رویدادهای مناطق عشایر نشین فارس

و استثمار خوانین باصطلاح دلسوز خود روبرو بوده‌اند و نیرویشان بعنوان وسیله‌ای برای جابانه عمل بوشاندن بخواستهای نامشروع، و ارضاء خصلتهای ضدانسانی خوانین بکار میرفته، و از طرف دیگر با ستم مضاعف ناهنشته‌ای و عوامل سرسبرده حکومت مرکزی مواجه بوده‌اند، یک روز با طرح اسکان عشایر رضاخان قلندر روبرو بودند، زمانی با طرح اصلاحات ارضی محمدرضا، و روزی با طرح ملی شدن مراتع و... عشایر بنا به خصوصیت تغلیبشان تابستان را در مناطق سردسیر و زمستان را در مناطق گرمسیر میگذرانند و از قدیم در هر دو منطقه به‌خوابین و فنودالها حق مرتع میسر داشتند. تا حدود سال ۳۲، حق مرتع بصورتی جنسی به‌خاک «تقدیم» میدادند ولی بعداً بصورت برداخت نقدی درآمد بدینصورت که خان برای هر رأس گوسفند مبلغی را بعنوان حق مرتع تعیین نمیشود و توده عشایر موظف به برداخت آن میشوند. که البته این رسم هنوز هم برقرار است. علاوه بر دادداری، برای تأمین گندم مصرفی و نیز تهیه علوفه، بخصوص جو، عشایر در اطراف مراتع به‌زراعت میپردازند - اغلب بصورت دیم - و بقادری از این محصول معمولاً یک پنجم (بج کو)، یا یک چهارم آن «تقدیم» خان و ایادیش میگرد. (باید توجه داشت که در اثر ناسامعه بودن زمین و فقدان آب، حتی برای آسایش، معمولاً زراعت بصورت دیم صورت میگیرد و از طرف فنودالها هیچگونه وسائلی در اختیار کشاورزان قرار نمیگیرد). گذشته از برداختهای فوق مقدار دیگری از حاصل زحمات سالانه عشایر بصورت قالی یا رأس گوسفند، در دیدار با خان سوی تقدیم میشود. پس از انقلاب باصطلاح سفید نه تنها روابط گذشته از بین رفت بلکه بصورت قانونی تثبیت شد، و اکثر زمینها و مراتع به مالکیت قانونی خوانین درآمد، و ستررسی آنها بنام خوانین و فرزندان و خویشانشان صادر شد. علاوه بر ایشان، از حاصل زحمات طاق‌فرسای عشایر سران مزدور ادارات و ارگانهای انتظامی نیز بصورت رتبه تقدیمی از سوی خوانین، بهره‌مند شدند. ناگفته نماند که علاوه بر اینکه این افراد با خوانین منافع مشترک طبقاتی داشتند و بین آنها رابطه باصطلاح ایدئولوژیک وجود داشت معمولاً بین آنها رابطه خانوادگی هم برقرار بود و اکثر سرسبردهگان رژیم را همین خوانین و خویشانشان تشکیل میدادند.

بنام خدا
عشایر از محرومترین اقشار مملکت می‌باشند که، علاوه بر اینکه مستقیماً با فقر طبیعت سخت روبرو هستند و بسوسه سرما و گرما را بدون داشتن هیچگونه تسهیلات رفاهی تحمل مینمایند و از ابتدائی ترین وسایلی زندگی محرومند، با استبداد و ستمگری و استثمار و بهره‌کشی خوانین تیز روبرو هستند، دسترنج یکسال رنج و زحمت آنها به‌عنوان مختلف بچیپ خوانین و فنودالها سرازیر میشود و آنها هم این حاصل را در بهترین نقاط نهرهای داخل و خارج کشور، صرف هزینه‌های گزاف تجملات و عیش و نوش خود و فرزندانشان میکنند. توده محروم و مستضعف عشایر از سالها قبل توسط اکثریت همین خوانین که غالباً مزدور حکومت مرکزی بوده‌اند مورد استضعاف قرار می‌گرفته‌اند. اگر گاهی سران عشایر به حکومت جبار مرکزی در میافتادند بیشتر بخاطر ارضاء خودخواهی و قدرت طلبی و تأمین منافع بسخطر افتاده خودشان بوده است. که سنگینی بار آن نیز به‌توده تحت‌تسلطشان تحمیل میند و غرامت جاه طلبی آنها را توده عشایر میبردند. البته استثناءهایی وجود دارد و بعضی از سران خصلتهای مردمی داشته‌اند، ولی قاعده همیشه عکس آن بوده است. توطئه‌های رژیم ناهنشته‌ای علیه عشایر بهر حال عشایر علاوه بر تحمل سختیهای ناشی از طبیعت، بیوسه از طرفی با استبداد

خطر انحراف مسیر انقلاب از کجاست؟!

منا - سفانه آنچه که از عملکرد و شکل گیری دادگاههای انقلاب در این ماههای گذشته بکرات دیده‌ایم و هر چند گاه بیکار شاهد و ناظر عمل غیر انقلابی و انحرافی این قبیل دادگاهها در اینجا و آنجا بوده‌ایم، و راهی و آزادی عناصر خائن و مرتجع بسوده است. در حالیکه بعد از هر انقلابی باید خائنین و وابسته‌های مزدور به محکمه عدل انقلابی سپرده و بسا

بجزایر آن، جلوی فعالیتهای ضد-انقلابیون گرفته شود. اما بارها دیدیم - اسم و هنوز هم شاهد هستیم که بسیاری از جنایتکاران رژیم بدبخت - های مختلف آزاد شده و بدفعالیتهای ضد مردمی خود مشغولند. فرار نافرجام سرمایه دار معسوف اصفهانی از آن جمله است که از برکت فعالیتهای انقلابی! و مردمی با دست

بقیه در صفحه ۱۵

هجرت، فلسفه و انسانساز و جامعه پرداز

در فرهنگ اسلامی یک واژه، تنها یک کلمه نیست که دنیائی از علم، فلسفه، عمق و زیبایی و عظمت است. هجرت واژه‌ایست که چنین عظمت و اهمیتی خود نرفته دارد فلسفه‌ایست که انسان را به‌بدن بسوی آنچه که باید باشد فرامیخواند. اسر و عظمت هجرت را نه در سرگذشت پیامبر، که در سرگذشت تمام اقوام و مللی که خود بنوعی دست به‌چین جنبی زده‌اند می‌بینیم.

توجه به آیات قران در رابطه با هجرت بوضوح این معنی را بیرون میدهد که «هجرت بلی است بین ایمان و جهاد، واسطه‌ایست بین تئوری (ایمان) و عمل (جهاد)، چرا که عمل و جهاد است که درستی ایمان و تئوری را محک میزند، و برتری و عظمتش را از ذهن

بقیه در صفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک ۲۷ دکتر حبیب‌الله بیان

احتیاج، معیار حق هر کس از مادیات است

● اولین گام انحراف و لغزش انسان از موقعی برداشته شد که به احتیاج خویش قناعت نکرد.

دیدیم که کثر انباشتن و ذخیره مال است، بشرطی که مازاد بر احتیاج باشد - حتی اگر زکوة آن هم داده شده باشد. از علی بن ابیطالب روایت است که فرمود: «اضافه بر چهار هزار درهم کنز است، خواه دارنده آن زکوة آنرا داده باشد، یا ندادده باشد - کمتر از آن مقدار نفعه است» نفعه همانست که برای گذران زندگی لازم است. امام صادق هم «چهار هزار درهم را مالو حد احتیاج شخص) و دوازده هزار درهم را کنز دانسته‌اند، معتقدند. بیست هزار درهم از راه حلال جمع نمیشود و آنکس که سی هزار درهم دارد، نابود است و هرکس یکصد هزار درهم دارد از شیعیان ما نیست»

بدیهی است که مقادیر تعیین شده، با توجه بقدرت خرید پول در زمان ایشان است و لذا حد نصاب مسال و کنز در احادیث و روایات از منابع مختلف فرق میکند. معیار ثابت احتیاجات خود و خانواده در شرایط اجتماعی خاص است، مسلماً با تکامل تولید و تحول شرایط اجتماعی، سطح احتیاجات تغییر مختصری پیدا میکند، لکن هرگز نباید از نیازهای اساسی و طبیعی فراتر رود و به اسراف و تبذیر بیانجامد. در معنای عفو از قول رسول خدا آمده است:

« آنچه مازاد بر احتیاج انسان و خانواده و کسانی که تحت تکفل او هستند، بشرط میانه روی» ۲۹ و در همین باره امام صادق فرموده «بومنی کسی است که، کسب پاک، اخلاقی نیکو ضمیرش سالم و مازاد مال خود را انفاق کند و مازاد کلامش را نگاهدارد و مردم از شوش در امان

و حق آنها را بدهد» ۳۰ در غالب احادیث، حد کفاف برای تعیین مرز کنز بکار رفته است. کفاف با توجه به معانی آن در حقیقت نیاز روزانه فرد و یا خانواده است. کفاف از کف بمعنای مشت است، و کفه ترازو هم هست که هم مفهوم احتیاج و هم تساوی را در بردارد. اما معنای شایع آن هم احتیاج است به اندازه‌ای که نه کم باشد و نه زیاد. در احادیث متعدد کفاف را قوت روزانه گفته‌اند، و آمده که هر روز باید رزق همان روز را طلبید. ابوذر صحابی بزرگ هم همین عقیده را داشت، او معتقد بود:

« شخصی نباید بیش از قوت یک شبانه روز ذخیره داشته باشد. هر چه دارد باید در راه خدا بدهد و در این اعتقاد نظر به آیه کنز داشت ۳۱ و در معنای قوت هم گفته‌اند، مقداری است که انسان میخورد، آن اندازه که توانایی انسان حفظ شود ۳۲. یعنی آن مقدار که برای بدن ما متصل و نامین نیازهای اندامی در حال رشد ضرورت دارد، آنقدر که انسان بتواند در برابر شرایط متغییر محیط از خود دفاع کند و همه استعدادها را بیکار اندازد.

بقیه در صفحه ۹

تضاد توده‌های عشایری با خانها و فنودالها
بقیه در صفحه ۵

با تقدیم احترامات
مدیر عامل نشریه «اسم» - مدد های طلب
بشکوه
روز پنجشنبه ۲۷ دی ساعت ۴ بعد از ظهر
جنبش مطبوعات سراسر ایران مسائل
انتخابات ریاست جمهوری - جلسه
سخنرانی و بحث را اعلام میدارد.
محل: خیابان بهار - جنبش دانشجویی

اطلاعه
روز پنجشنبه ۲۷ دی ساعت ۴ بعد از ظهر
جنبش مطبوعات سراسر ایران مسائل
انتخابات ریاست جمهوری - جلسه
سخنرانی و بحث را اعلام میدارد.
محل: خیابان بهار - جنبش دانشجویی

شیخ سبز

"کوچک خان" این رادمرد دیار من ، این مجاهد راه الله همواره همچون جریان رودی خروشان در درگ و بی ما می جوسد .

سردار باقامت بلند سروان در هر خورش سبز پرواز بلند باران را در تنگنای سرد آذرخش آوازی ده جنگل در خلوت سبز خویش با بانگ بلند باد سرود گرم ترا زمزمه دارد

الای شیخ راز سبز پیامت از کوجه باغهای "سگره" تا بهن دشت سرخ رگهایم جاریست

ای روح سبز درمن بخوان ترانه‌ی رزم بامن بگو فریاد سالها درد غارت و خون را کز نای این خسته جاریست تو

در فرا خنای تاریخ بر فراز رنگین کمانهای ابر گستردی عشق را وراز نهان

همیشه سبز ماندن ای حجم استوار باترس سوگوار ابر که به انتظار ایستاده بود ورقص بی شتاب باد

در پیچ پیچ آبی آذرخش خرقه پوشان راه صلاهی شهادت دادی



برداشتی از واژه: «رشد» در قرآن

یکی از واژه‌های قرآنی که در حوزه لغات انسان‌شناسی قرآن است واژه «رشد» می‌باشد انسان با خودآگاهی و اراده و اختیار و شناخت نسبی خود، حرکت تئیسجی بسوی «الله» آغاز میکند، با توجه به تکاملی بودن «در مجموع» حرکات بندیده‌ها، معیار سنجش و ارزیابی مکتبی انسان را همانا میزان خودآگاهی و پالنتیجه درک مسئولیت در قبال خدا و خلق تعیین میکند. مسلماً برای رهنمون هر چه بیشتر انسان خدای قادر و سبحان رولانسی را بسوی اوست

گسیل میدارد و این منظر با حربه خویش بنام «کتاب» زمینه‌های ذهنی خلق را برای در هم کوبیدن نظامهای سه گانه حاکمانه، مالکانه و گناهانه شروع می‌نماید. رسالت رسول به‌منابه ضربهای بر مغزهای خفته و غبار گرفته توسط گاهان عصر بر سر خورد می‌کند و انسانها را برای بازگشت به فطرت اصیل خویش و در گونه ساختن نظام اهریمنی و بریانی نظام عادلانه توحیدی بسیج می‌نماید.

در این کساکس بین نیروهای بالنده خدائی و منجمد ضد تکاملی، انسانهایی با خودآگاهی هر چه بیشتر خویش‌نشان را در صف مقدم جبهه قرار داده و پیشتاز مبارزه حق علیه باطل میشوند. یعنی قدرت را برای اینان مفتوح می‌سازد. «فقالوا اناسمنا قرآناً عجباً یهدی الی الزند فامنا به، الجن ۲ و ۳»

کسانیکه پیام «الله» را بر اندیشه و عمل خویش جاری ساخته و در مسیر هدایت الهی قرار گرفته... الذین جاهدو قینالتهدیهم سلیمان... رشد می‌یابند. یعنی

بابان داد

محمد پسرک ۹ ساله‌ایکه در یک کارخانه قالیبافی تنگ و تاریک در حاشیه‌شهر روزانه ۸ تا ۱۰ ساعت قالی- بافی میکند . محمد از وقتیکه خودش را بیاد دارد بازوی خانواده خود بود ولی مدتی است که این بار سنگین را به تنهایی بر دوشهای لاغر و نحیف خود میکشد . محمد دوسه هفته پیش بمدت یکماه به کارخانه نمی‌آمد و دوستانش نمی‌دانستند که محمد در این یکماه کجا بود و چکار میکرد . بعد از اینکه دوباره سرکار برگشته دیگران پسرک شاد و خندان نیست بلکه برعکس بیشتر اوقات در خودش غرق است و از یک چیزی رنج میبرد و کسی را پیدا نمیکند تا کمکش کند و بعضی وقتها دوستان و اربابش او را مسخره میکنند ولی او به هیچکدام از اینها اهمیت نمیدهد و در فکر خودش است و بمان یکماه که به کار نمی‌آید فکر میکند او در این مدت مدرسه می‌رفت . آری ! بمدرسه ، اگر به کسی بگوید باورششان نمیشود که محمد هم بمدرسه می‌رفت .

قضیه از این قرار بود که پدر محمد از یکسال پیش در این فکر بود که پسرش را بمدرسه بفرستد که یک شب در ماه رمضان وقتی که از مسجد بخانه آمد و گفت : محمد! اسمال تود بگر بکار نخواهی رفت از این بیعت تو بمدرسه میروی تا باسواد شوی . هنوز حرف پدرش تمام نشده بود که مادرش گفت آخه آنوقت خرج خانه... .

پدر جواب داد که دیگر زمان طاغوت نیست خدا کریم است انشا - الله شرکت شروع بکار میکند و ما را دوباره استخدام میکند وبعد سکوتی سنگین برخانه محقرشان حاکم بود شب دیر بود و همه در فکر آبندهای ناپیدا. آن شب کسی خوابش نمیبود ، این شب بیشتر مانند شهای انقلاب بود چون آنوقتها هم در این فکر بودند که فردا در کدام خیابان جمع خواهند شد و به کدام طرف حرکت خواهند کرد فکری توام با دلهره و نگرانی ، ایندو شب خیلی شبیه بهم بودند شبی در فکر مبارزه استبداد و شبی همانند آن در فکر مدرسه بودن .

روزها سپری میشد و روز موعود نزدیک میشد عاقبت محمد دست از کار کشید و می‌بایست از فردا بمدرسه می- رفت . محمد مثل همیشه صبح زود از خواب بیدار شد و لباس تمیزش را پوشید و براه افتاد نه بطرف کارخانه بلکه راهی دیگر در خلاف جهت بطرف مدرسه " نوبی مدرسه سال اولی ها را در یک کلاس جمع کردند و بعد یک نفر وارد کلاس شده بیشتر شبیه اربابش بود . گفت : من معلم شما هستم از این به بعد هر کس شلوغی کند یا دیر به کلاس بیاید با این-سبب خوب کتکش میزنم و از کلاس بیرونش میکنم . چند روزی گذشت و محمد خودش را در کلاس بیگانه حس میکرد و بیشتر بچه ها یک جور دیگر بودند و نمیتوانست با آنها معاشرت کند و روزها همچنان میگذشت و مشکلات تازه‌ای برایش پیش می‌آمد . چند روزی بود که دیگر نوبی خانه نان صاف پیدا نمیشد و اینها نان ریزه میخوردند و نوبی خانه نیز وضع عوض شده بود کسی با کسی حرف نمیزد و پدر بیشتر اوقات را یا در بیرون بود و یا نوبی

پدر جواب داد که دیگر زمان طاغوت نیست خدا کریم است انشا - الله شرکت شروع بکار میکند و ما را دوباره استخدام میکند وبعد سکوتی سنگین برخانه محقرشان حاکم بود شب دیر بود و همه در فکر آبندهای ناپیدا. آن شب کسی خوابش نمیبود ، این شب بیشتر مانند شهای انقلاب بود چون آنوقتها هم در این فکر بودند که فردا در کدام خیابان جمع خواهند شد و به کدام طرف حرکت خواهند کرد فکری توام با دلهره و نگرانی ، ایندو شب خیلی شبیه بهم بودند شبی در فکر مبارزه استبداد و شبی همانند آن در فکر مدرسه بودن . روزها سپری میشد و روز موعود نزدیک میشد عاقبت محمد دست از کار کشید و می‌بایست از فردا بمدرسه می- رفت . محمد مثل همیشه صبح زود از خواب بیدار شد و لباس تمیزش را پوشید و براه افتاد نه بطرف کارخانه بلکه راهی دیگر در خلاف جهت بطرف مدرسه سال اولی ها را در یک کلاس جمع کردند و بعد یک نفر وارد کلاس شده بیشتر شبیه اربابش بود . گفت : من معلم شما هستم از این به بعد هر کس شلوغی کند یا دیر به کلاس بیاید با این-سبب خوب کتکش میزنم و از کلاس بیرونش میکنم . چند روزی گذشت و محمد خودش را در کلاس بیگانه حس میکرد و بیشتر بچه ها یک جور دیگر بودند و نمیتوانست با آنها معاشرت کند و روزها همچنان میگذشت و مشکلات تازه‌ای برایش پیش می‌آمد . چند روزی بود که دیگر نوبی خانه نان صاف پیدا نمیشد و اینها نان ریزه میخوردند و نوبی خانه نیز وضع عوض شده بود کسی با کسی حرف نمیزد و پدر بیشتر اوقات را یا در بیرون بود و یا نوبی

امت

از باتلاقها و لجنزارهایی که توسط طاغوتها و جهانخواران در پیش پایشان گسترده، نجات می‌یابند. همن اسلام فالونک تحر و آزادند، پس هر کس انقیاد ورزید، پس آنان راه نجات را جویا شدند.

هر کس از کفر، فسق و عصیان‌بری و بدور باندند، و ایمان در قلبش آراسته شده باشند. او از راستون (نجات‌یافتگان) است... «لَکِنَ اللهُ جِبِّ الْیَکْمِ الْاِیْمَانِ وَرَضِیْنَهٗ فِی قُلُوبِکُمْ وَکَسْرَهٗ الْیَکْمِ الْکَفْرِ وَالْفُسُوقِ وَالْعَصِیَانِ اَوْلَکَ هُمُ الرَّاسِدُونَ «الحجرات ۷»

البته یادآوری این نکته ضروری است که فراعنه و دیکتاتورهای خون‌آشام هر زمان دم از هدایت و رهبری قوم بسوی ترقی و تعالی و رشد میزدند برای اینکه سلطه غاصبانه خویش را طبیعی جلوه گر سازند. دست بدامان مغزهای مستفکر و روستفکران خود فروخته و وابسته میزند، تا جنایات اینان را برای خلق توجیه کنند. منالها در این باب فراوان است. فرعون (رامس دوم) برای خواباندن و تخدیر قوم بنی اسرائیل از وجود کهنه و ساحران سود می‌جست و قدرت خویش را معتبر از خدا که نه‌خود را خدا میدانست. شاه خون‌آشام فراری برای مزین ساختن و فریبا نمودن تزه‌ای آمریکائی خود، از وجود محمود جعفری‌انها و احسان نراقی‌ها و نیکخواها، بستوان سبیل روستفکران خود فروخته، و از وجود ابراهیم میلانی‌ها و ... سبیل روحانیت مزدور و خائن و... استفاده میکرد

و اما بازی بینیم کارت و سیستم بلید امبرالیستی برای موجه ساختن جنایات بی‌شمار خویش و برای تداوم بخشیدن به استعمار هر چه بیشتر خلقها دست به فریبها و تیرنگهای هد انسانی بی‌شمار میزند. از یکسوی با سیطره امبرالیستی خود بر دادگاه لاهه، قضات دادگاه لاهه را در مسیر تأمین منافع جیالوگران و جنایت‌بخانهای محروم هدایت می‌کند. و از سوسی دیگر کندها و آندرویدها که جناح بطاهر کبیرتران امبرالیسم‌اند، بر تسکجه و محرومیت خلقها انگ تساح میریزند

پس این همه نشانگر این مطلب است که ادعای سوق دادن ملل بسوی «رشد» و «تکامل» کار همینگی خائنین به خلق بوده است، اما تاریخ خلقها گواه است که اینان دروغگو باندند و هدفی جز به بند کشیدن هر چه بیشتر انسانهای تحت ستم از روی دیگری ندارند. و لقدار سلنا موسی با یاتنا و سلطان مسبین الی فرعون و ملانه فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون بر نید «هود ۹۰۰»

هر آنچه به تحقیق موسی را با ایسات و تسلطی آشکار ارسال کردیم بسوی فرعون و قدرت سیاسی حاکمه‌اش، اما ملا قوم تابع امر فرعون نداشتند. البته امر فرعون درست نیست - و آنان را بسوی رشد هدایت نمی‌کند - آنانکه تابع راهی میشوند که فراعنه نشان داده و یا کسانی که از ستهای الهی و دستورات مکتبی پیش درستی ندارند و بزور خود را انقلابی جا زده‌اند بنابر این با استخاذ سیاستهای غیر مکتبی راه را برای تسلط دوباره نیروهای اهریمنی - امبرالیستی - بازی می‌کنند اینان اصلاً از درد واقعی خلق غافلند اینان از مواضع درون جبهه‌ای و کیفیت بسیج‌دیگ دشمن شناخت کافی ندارند - غافلند - در نتیجه هر گامی و هر قدمی که بر میدارند مقداری به اغوش امبرالیسم غدار نزدیک می‌نوند و البته امبرالیسم دستهایش را باز و با نسیف زنت نسطانی‌اش اینان را طلب می‌کند و بسوی میخواند و از آنطرف نیروهای مزاحم این سبه انقلابیون را تحت فشارهای گوناگون قرار میدهند. آری این اشخاص راه غی (هدرند) را انتخاب کرده‌اند بگذار نیروهای صادق و انقلابی را مسخره کنند بگذار چند روزی برای اشغال مسندها و ارگانهای اجرائی با همدیگر دست و پنجه نرم کنند و بگذار (همچون بعضی) بدروغ خود را در خط امام معرفی کنند ولی این حتی است که آنان راه غی را می‌بیماند و سرتوت محتوم آنان محکومیت در پیشگاه خالق و خلق است... وان یروا سبیل الرشد لا یخضعوه سبیلآ - وان یروا سبیل الفسی یخضعوه سبیلآ ذلک بالهم کذبوا با یاتنا و کمانوا غلها غافلین الاعراف ۱۴۵ - ۱۴۴ اگر راه رشد را ببینند انتخاب نمی‌کنند - اما اگر - راه غی را ببینند آنرا راه خویش قرار میدهند آن باین سبب است که آیات ما را تکذیب کردند و از - براین و آیه‌های روشن ما - غافل گشتند.

پس نیروهای رشد یابنده و پسرند رسیده خویشن و جامعه را با حرکتی سریع بسوی «الله» پیش می‌برند البته در این راه تمام نیروهای سازنده را ضد تکامل را کنار می‌زنند ولی نیروهای غیر مکتبی و غیر رشید با پیش‌های غیر اصیل و غیر توحیدی جامعه را بسوی انحطاط و وابستگی سوق میدهند لذا اسپدی درخشان برای امبرالیسم بنام می‌آید. با اسپدی فراوان که خلق ستم‌دیده ما راه انقلابی و مکتبی که هر چه بیشتر بشناسد و نیروهای رشید در افشای صافیت ضد خلقی و غیر توحیدی عناصر سازشکار و غیر رشید گوشا باشند.

م - ن تبریز

م - ن تبریز

شیخ سبز

"کوچک خان" این رادمرد دیار من ، این مجاهد راه الله همواره همچون جریان رودی خروشان در رگ و بی ما می جوشد .

شاید گذر شب بودی
یا
خروش تند طوفان
و ما
گدگنتگان راه
فانوس وار
به جدال شب خاستیم
نه کس از راه ماند و
نه بازی رهایی بود
رهسپاران گلگون کفن
شعب را به سپیده بردند
و در شبگیران سرد زمستان
ناقوسهای سبز رهایی را
بروز وار
بر بلندای البرز و دماوند آویختند
آه
ای سبز گونه شیخ
چاریم ساز
چون صنوبران سر فراز
در باغهای سرخ شهادت
بروزم آموز
وراز گنگ همشبه سبز ماندن

مرا
دلقی است ژنده
وجسمی رنجور
تحفه راه "الله"
۸۵/۱۰/۱۲
بندر انزلی -
۱ - ب - ن
در بیج بیج آبی آدرخش
صلای شهادت دادی
که به انتظار ایستاده بود
ورقص بی شتاب باد
خرقه پوشان راه
صلای شهادت دادی

برداشتی از واژه: «رشد» در قرآن

یکی از واژه‌های قرآنی که در حوزه لغات انسان‌شناسی قرآن است واژه «رشد» می‌باشد انسان با خودآگاهی و اراده و اختیار و شناخت نمی‌خورد. حرکت طبیعی بسوی «الله» آغاز میکند. با توجه به تکاملی بودن «در مجموع» حرکات بدیده‌ها، معیار سنجش و ارزیابی مکتبی انسان را همانا میزان خودآگاهی و بالنتیجه درک مسئولیت در قبال خدا و خلق تعیین میکند. مسلماً برای رهنمون هر چه بیشتر انسان خدای قادر و سبحان رولانی را بسوی آست گسیل میدارد و این مندر با حربه خویش بنام «کتاب» زمینه‌های ذهنی خلق را برای در هم کوبیدن نظامهای سه گانه حاکمانه، مالکانه و گناهانه نروع می‌نماید. رسالت رسول به منابه ضربیه‌ای بر مغزهای خفته و غبار گرفته توسط کاهنان عصر بر خورده می‌کند و انسانها را برای بازگشت به فطرت اصیل خویش و در گونه ساختن نظام اهریمنی و بربرانی نظام عادلانه توحیدی بسیج می‌نماید.

در این کشاکش بین نیروی بالنده خدائی و منجمد هند تکاملی، انسانهایی با خودآگاهی هر چه بیشتر خروشنشان را در صف مقدم جبهه قرار داده و بیشتر مبارزه حق علیه باطل میشوند. یعنی قدرت

بابانان داد

محمد پسرک ۹ ساله‌ایکه در یکس کارخانه قالبیایی تنگ و تاریک در حاشیه‌شهر روزانه ۸ تا ۱۰ ساعت قالی- بافی میکند . محمد از وقتیکه خودش را بیاد دارد بازوی خانواده خودش بود ولی مدتی است که این بار سنگین را به تنهایی بر دوشهای لاغر و نحیف خود میکشد . محمد دوسه هفته پیش بمدت یکماه به کارخانه نمی آمد و دوستانش نمی دانستند که محمد در این یکماه کجا بود و چکار میکرد . بعد از اینکه دوباره سرکار برگشته دیگران پرسک شاد و خندان نیست بلکه برعکس بیشتر اوقات در خودش غرق است و از یک چیزی رنج میبرد و کسی را پیدا نمیکند تا کمکش کند و بعضی وقتها دوستان و آریایش او را مسخره میکنند ولی او به هیچکدام از اینها اهمیت نمیدهد و در فکر خودش است و به آن یکماه که به کار نمی‌آمد فکر میکند او در این مدت بمدت بمدت میرفت . آری ! بمدت بمدت ، اگر به کسی بگوید باورشان نمیشود که محمد هم بمدت میرفت . قضیه از این قرار بود که پدر محمد از یکسال پیش در این فکر بود که پسرش را بمدت بفرستد که یک شب در ماه رمضان وقتی که از مسجد بخانه آمد و گفت : محمد! اسمال تودیکریگاریخواهی رفت از این بیعد تو بمدت میروی تا باسواد شوی . هنوز حرف پدرش تمام نشده بود که مادرش گفت آخه آنوقت خرج خانه

پدر جواب داد که دیگر زمان طاغوت نیست خدا کریم است انشا - الله شرکت شروع بکار میکند و مارا دوباره استخدام میکند وبعد سکوتی سنگین برخانه محقرشان حاکم بود شب دیر بود و همه در فکر آینده‌ای ناپیدا . آن شب کسی خوابش نمیرد ، این شب بیشتر مانند شبهای انقلاب بود چون آنوقتها هم در این فکر بودند که فردا در کدام خیابان جمع خواهند شد و به کدام طرف حرکت خواهند کرد فکری توأم با دلهره و نگرانی ، ایندو شب خیلی شبیه بهم بودند شبی در فکر مبارزه استبداد و شبی همانند آن در فکر مدرسه بودن .

روزها سپری میشد و روز موعود نزدیک میشد عاقبت محمد دست از کار کشید و می‌بایست از فردا بمدت میرفت . محمد مثل همیشه صبح زود از خواب بیدار شد و لباس تمیزش را پوشید و براه افتاد نه بطرف کارخانه بلکه راهی دیگر در خلاف جهت بطرف مدرسه " نوبی مدرسه سال اولی ها را در یک کلاس جمع کردند و بعد یک نفر وارد کلاس شد که بیشتر شبیه آریایش بود . گفت : من معلم شما هستم از این به بعد مکتب شلوغی کند یا دیر به کلاس بیاید با این چوب کنکش میزنم و از کلاس بیرونش میکنم . چند روزی گذشت و محمد خودش را در کلاس بیگانه حس میکرد و بیشتر بچه ها یک جور دیگر بودند و او نمیتوانست با آنها معاشرت کند و روزها همچنان میگذاشت و مشکلات تازه‌ای برایش پیش می‌آمد . چند روزی بود که دیگر توی خانه نان صاف پیدا نمیشد و اینها نان ریزه میخوردند و توی خانه نیز وضع عوض شده بسود کسی با کسی حرف نمیزد و پدر بیشتر اوقات را یا در بیرون بود و یا توی

امت

از باتلاقها و اجزاهای که توسط طاقوتها و جهانخواران در پیش پایشان گسترده، نجات می‌یابند. همن اسلام فارلنگ تحر و ارند، پس هر کس انقیاد ورزید، پس آنان راه نجات را جویا شدند.

هر کس از کفر، فسق و عصیان بری و بدور باشد، و ایمان در قلبش آراسته ندهد بساند. او از راستون (نجات‌یافتگان) است... و لیکن الله جیب الیکم الایمان و زحمتی فی تسویکم و کسره الیکم الکفر و القسوق و العصیان اولنک هم الراسدون «العجرات ۷»

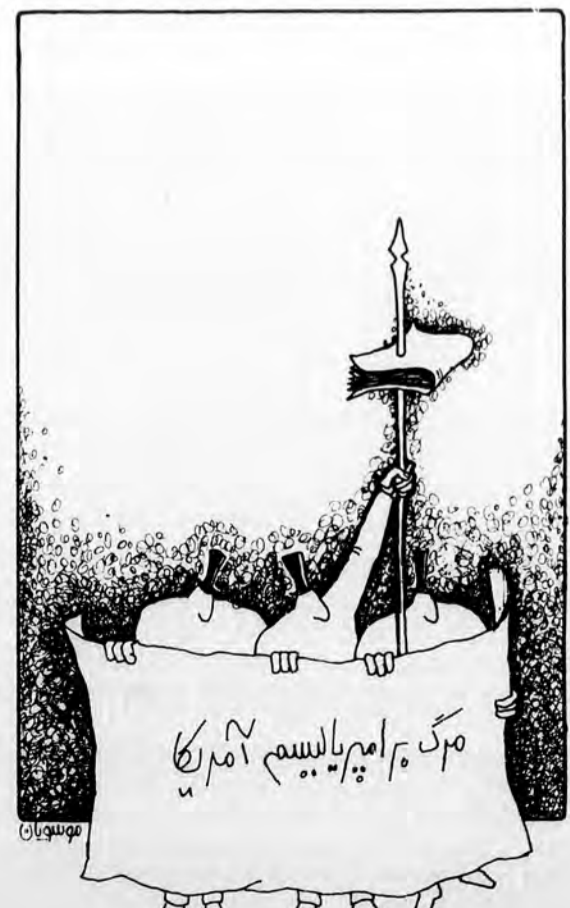
الیه یادآوری این نکته ضروری است که فراعنه و دیکتاتورهای خون‌آسم هر زمان دم از هدایت و رهبری قوم بسوی ترقی و تعالی و رشد میزدند برای اینکه سلطه غاصبانه خویش را طبیعی جلوه گر سازند. دست پدمان مغزهای مستغرق و رونسفکران خود فروخته و وابسته میزدند. تا جنایات اینان را برای خلق توجیه کنند. مثلاً در این باب فراوان است. فرعون (رامس دوم) برای خوابانیدن و تخدیر قوم بتی اسرائیل از وجود کهنه و ساحران سود می‌جست و قدرت خویش را منبعث از خدا که مخدود را خدا میدانست. شاه خون‌آسم فراری برای مزین ساختن و فریب نمودن تزه‌ای امریکائی خود، از وجود محمود جعفری‌بناها و احسان نراقی‌ها و نیکیخواه‌ها، بعنوان سبیل رونسفکران خود فروخته، و از وجود ابراهیم میلانی‌ها و ... سبیل روحانیت مزدور و خائن و... استفاده میکرد و اما باز می‌بینیم کارتر و سیستم سلید امریکالیستی برای موجه ساختن جنایات بی‌شمار خویش و برای تداوم بخشیدن به استعمار هر چه بیشتر خلقها دست به فریبها و نیرنگهای ضد انسانی بی‌شمار میزدند. از یکسوی با سلطه امریکالیستی خود بر دادگاه لاهه، قضات دادگاه لاهه را در مسیر تأمین منافع جبار لگران و جنایت با خلق های محروم هدایت می‌کند. و از سوسی دیگر کندها و اندرونیگرا که جناح بظاهر کیوتران امریکالیسم‌اند، بر نکتجه و محرومیت خلقها انگ تماشع میریزند.

پس این همه نشانگر این مطلب است که ادعای سوق دادن ملل بسوی «رشد» و تکامل» کار همینگی خاتین به خلق بوده است. اما تاریخ خلقها گواه است که اینان دروغگو باند و هدفی جز به بند کشیدن هر چه بیشتر انسانهای تحت ستم آرزوی دیگری ندارند. و لقدار سلنا موسی با پاتان و سلطان مسین الی فرعون و ملائکه فاتحوا امر فرعون و ما امر فرعون برئید «هود ۱۰۰»

هر آینه به تحقیق موسی را با ایست و تسلطی آشکار ارسال کرده‌یم بسوی فرعون و قدرت سیاسی حاکمان. اما ملائکه قوم تابع امر فرعون نشدند- البته امر فرعون درست نیست- و آنان را بسوی رشد هدایت نمی‌کند- آنانکه تابع راهی میشوند که فراعنه نشان داده و بسا کسانی که از سنتهای الهی و دستورات مکتبی پیش فرستی ندارند و بزور خود را انقلابی جا زده‌اند بسنا بر این با استخاض سیاستهای غیر مکتبی راه را برای تسلط دوباره نیروهای اهریمنی - امریکالیستی - باز می‌کنند اینان اصلاً از درد واقعی خلق غافلند اینان از مواضع درون جبهه‌ای و کیفیت پیچیدگی دشمن شناخت کافی ندارند- غافلند - در نتیجه هر گامی و هر قدمی که برمیدارند مقداری به‌اغوش امریکالیسم غدار نزدیک می‌شوند و البته امریکالیسم دستهایش را باز و بسا تسخیر زنت نیطانی‌اش اینان را طلب می‌کند و بسویش میخواند و از آنطرف نیروهای مزاحم این شبه انقلابیون را تحت فشارهای گوناگون قرار میدهند. آری این انسخاص راه غی (هدرند) را انتخاب کرده‌اند بگذار نیروهای صادق و انقلابی را مسخره کنند بگذار چند روزی برای انفعال مستنها و ارگانه‌های اجرائی با همدیگر دست و پنجه نرم کنند و بگذار (همچون بعضی) بدروغ خود را در خط امام معرفی کنند ولی این حتمی است که آنان راه غی را می‌بمانند و سرنوشت محقرم آنان محکومیت در پیشگاه خالق و خلق است... و آن پسر و آن سبیل الفسی یتخذوه سبیل ذلک بائهم کذبوا بائنا و کذبوا علیها غافلین الاعراف ۱۴۵ - ۱۴۴ و اگر راه رشد را ببینند انتخاب نمی‌کنند - اما اگر - راه غی را ببینند آنرا راه خویش قرار میدهند آن باین سبب است که آیات سارا تکذیب کردند و از - براین و آیه‌های روشن ما - غافل گشتند.

پس نیروهای رشد پاینده و به‌رشد رسیده خویشین و جامعه را با هر کتی سریع بسوی «الله» پیش می‌برند البته در این راه تمام نیروهای ساز دارنده را و ضد تکامل را کنار می‌زنند ولی نیروهای غیر مکتبی و غیر رسیده با پیش‌های غیر اصیل و غیر توحیدی جامعه را بسوی انحطاط و وابستگی سوق میدهند لذا امید درخشان برای امریکالیسم بنهار می‌یابند. بسا امید فراوان که خلق ستمدیده ما راه انقلابی و مکتبی که هر چه بیشتر بنسازد و نیروهای رشد در افشای ماهیت ضد خلقی و غیر توحیدی عناصر سازنکار و غیر رسیده گونا باشند.

م - ن تبریز



استثمار مضاعف عشایر

بقیه از صفحه ۱

بهر صورت بین توده عشایر و فئودالها و خوانین حاکم بر آنها، تضاد عمیقی وجود داشته هر چند فئودالها و خوانین معمولاً یکجک زور و تسزور سیاسی بر بوشاندن این تضاد داشته‌اند و بسویسته با ایجاد جو فقر و نیز از طریق تحمیل مردم توسط خود و آبادیشان از عکس‌العامل مردم نسبت به اعمال ضدانسانیشان جلوگیری نموده‌اند، ولی این اختلاف و ضدیت بالقوه و وجود داشته و خاکستر روی آن در مواقع نادری که نسیم آزادی وزیده کنار رفته است. البته جوانان تحصیلکرده عشایر سهم عده‌ای در انکار نمودن و نیز دامن زدن به این تضاد منطقی داشته‌اند که مبارزه مردم مسلمان ایران برپه‌ری امام خمینی و سر علیه سلطه امپریالیسم و سرسپردگی‌هاش محمد رضایی خائن آنرا تقویت نموده است، بطوریکه عشایر در گرماگرم مبارزه بر علیه رژیم، که در آن شرکت فعال داشته‌اند، و نیز با آگاهی نسبی از معیارها و موازین اسلامی که در نعره‌ها متجلی میگردد، به سلطه نامتعارف فئودالها و خوانین بیشتر واقف میگردد، بعبارت دیگر عوامل مذکور به‌رابطه ظالمانه بین عشایر و خوانین ذهنیت بیشتری می‌بخشد و باعث میشوند که عشایر پس از پیروزی انقلاب عملاً در صدد رهایی از سلطه ظالمانه خوانین و فئودالها برآیند، البته خوانین هم متقابلاً از فضای بااصطلاح «مواکراتیک» حاکم بر مملکت که در اثر بقدرت رسیدن لیبرالیسم وجود میآید سود استفاده نموده، برای جلوگیری از طرح‌های انقلابی و اسلامی که عملاً با حاکمیت نامشروع آنها بر توده مستضعف عشایر مغایر خواهد بود سعی در ایجاد تشنج و هرج‌ومرج مینمایند، ریشه‌های این جریان در درگیری‌های اخیر بین عشایر و خانها در منطقه ماهور میلانی بوضوح مشهود است.

الله‌قلی جهانگیری (پسر یکی از خوانین تیره جانپالو) را که در منطقه وردنت سیرم جمع‌اند از بین ببرند. البته قبل از این واقعه عبدالله‌خان شخصاً بدیدار الله‌قلی رفته بوده ولی طی مذاکراتی که با وی مینماید نمیتواند وی را بقبول نظریات خود متقاعد کند. پس از سخنان عبدالله‌خان یکی از کشاورزان مسلمان عشایر (نواز الله سهرابی)، مردم را جمع نموده و برای حدود هزار نفر از آنها سخنرانی میکند. در این سخنرانی عمل خوانین را توطئه‌ای برای باآسوب کشاندن منطقه تلقی میکند و از مردم میخواهد که به درخواست خوانین بسامخ مثبت ندهند. یکی از خوانین که در بین توده عشایر بوده مضمون صحبت‌های نواز الله را بگوش سایر خوانین از جمله ناصرخان میرساند، که باعث احضار نواز الله توسط ناصرخان میشود و نواز الله مفصلاً بوسیله خوانین کتک میخورد. پس از اینکه از اتاق بیرون میآید و بداخل جمعیت می‌رود شروع به افشای جنایات خوانین میکند. در پی آن و به‌بنیابانی از او مردم یکصد نفر «مرگ بر ناصر قشایی» سر میدهند. نواز الله از مردم درخواست میکند که فعلاً متفرق شوند و به‌خوانین حمله نکنند. فردای آنروز مردم در دهی بنام علیردان در منطقه وردنت سیرم متحمن میشوند و طی قطعنامه‌ای از ناصرخان و پسرش می‌خواهند که طی ۲۴ ساعت منطقه را ترک نمایند. ناصرخان بناچار منطقه را ترک میکند.

این جریان خود یکی از علل تندبید زمینه خصومت بین خوانین و توده عشایر بخصوص تیره‌های «نفر» و «جانپالو» میگردد.

عشایر قشقایی و حلبی‌آبادها

از طرف دیگر همانطور که قبلاً گفته شد پس از انقلاب بااصطلاح سفید سناشناهی و تقسیم اراضی کذاتی خوانین در اثر روابط حسنه‌ای که با عوامل رژیم داشتند و نیز بخاطر برداشت رتبه‌های کلان از تقسیم زمین‌های خود بین عشایر جلوگیری می‌نمودند و در رابطه با بعضی تیره حتی در آراء حق مرتع نیز حاضر بباگذاری زمین نشده از ورود آنها به‌مراتع معانیت کردند. تیره نسفر یکی از تیره‌های طایفه دره‌نوری است که تا قبل از سال ۴۵ با برداشت حق قتلاق در «قره‌دشت» و «بیرنگشت» در حومه بابامنیر یکی از دهات منطقه ماهور میلانی داسداری و کشاورزی مینمودند. ماهور میلانی منطقه‌ای قتلای است بین نورآباد مستنی و دوگنبدان که در فصل سرما مورد استفاده عشایر قرار میگردد. از سالهای ۴۵ و ۴۶ به‌بعد خوانین بهرامی از ورود تیره نفر به‌قره‌دشت و بیرنگشت جلوگیری مینمایند. افراد تیره نفر هم پس از نکایتهای متعدد به‌مقامات رژیم گذشته و مشاهده بی‌توجهی آنها، از ادامه کار مأیوس میشوند. در پی آن ۲۰۰ خانوادگی که این تیره را تشکیل میدادند، اکنون فقط ۱۲ خانواده به‌داسداری و کشاورزی ادامه میدهند و بقیه راهی حلبی‌آبادهای اطراف شهرها میشوند و در سیراز، اصفهان و دوگنبدان ساکن میگرددند. پس از پیروزی انقلاب باآگاهانده‌های تیره نفر برای احقاق حق خود و استفاده از زمینهای قتلای گذشته به‌مقامات مسئول، از قبیل سیاه‌بساداران، فرمانداری، زاندار مری و دادگاه نورآباد نکایت می‌کشند. اوایل باتیز خانهای بهرامی که شخصاً در شهرهای زندگی میکنند به‌حومه بابامنیر آمده و با تجهیزات کامل و مسلح در آنجا مستقر میشوند و برای جلوگیری از ورود تیره‌نفر به‌منطقه، در آنجا سنگر بندی مینمایند. تیره نفر که قصد داشته گوسفندان را به‌منطقه مذکور برد، بناچار در محلی بنام نوان (نرسیده به‌بابا منیر) متوقف میشود و در این محل که منطقه قتلای چند خانواده از تیره جانپالو است، حدود دو ساه می‌ماند و بسوازات آن به‌نکایات خود ادامه میدهد، تا اینکه هیئت از طرف مسمیزی جنگلبانی سیراز به‌سرپرستی مهندس ابراهیم و مهندس بلاغی برای قضاوت به‌منطقه اعزام میشوند. این هیئت پس از تحقیقات لازم و گفتگو با معتمدین طایفه دره‌نوری از آنها می‌خواهد که سعی نمایند مسئله را بطور مسالمت‌آمیز در منطقه حل کنند. در جلسه‌ای مرکب از خوانین، معتمدین طایفه دره‌نوری و چند تن از افراد تیره نفر، خوانین اعلام میکنند که به‌هیچ‌وجه به‌تیره نفر زمین نخواهند داد، حتی در قبال حق مرتع، تیره نفر برای دریافت نتیجه قضاوت هیئت اعزامی به‌جنگلبانی سیراز مراجعه میکند، اما هیئت در ارائه جواب قاطع مسامحه مینماید تا اینکه در قبال اصرار زیاد عشایر تیره نفر یکی از کارشناسان هیئت میگوید، علیرغم حق قانونی شما، نامه‌ای از خسروخان قشقایی رسیده و

بگفتگو نستیم. عشایر سخن میگویند

در آن قید شده است که تیره نسفر هیچ حقی از زمین مذکور ندارد. با توجه به این نامه و نیز با توجه باینکه دولت هنوز قدرت اجرایی ندارد، شما باید صبر نمایید و به‌منطقه مورد بحث کوچ نکنید. تیره نفر که با از بین رفتن گوسفندان خود مواجه میشود، و از نکایاتش به‌مقامات مسئول نیز نتیجه‌های نمیگردد، در اوایل آذر به‌منطقه مذکور کوچ مینماید و در آنجا مستقر میگردد. در پی آن، خوانین خوشنویسان خود را از نهرهای اطراف به‌منطقه فرا میخوانند، این عده که همگی مجهز به‌مسلح هستند در نزدیکی انبار علوفه بابامنیر مستقر میشوند. در اینموقع با توجه به‌عکس‌العله‌های طرفین در مقابل یکدیگر، جو خصومت کاملاً تشدید شده است و احتمال درگیر شدن زیاد است. عشایر طایفه دره‌نوری طرفدار تیره نفر، خود را به‌جادرهای آنها رسانده و علاوه بر سنگرهای قبلی که توسط خوانین درست شده بود، سنگرهای جدیدی احداث مینمایند و در آنها موضع میگردد. از طرف دیگر خوانین هم به‌سمت جادرهای تیره نفر راه می‌افتند. در

برادر شما اینجا چکار میکنی؟
- من فعلاً سرپرستی سبچه و کسانسی را که می‌بینید به‌عهده دارم. در حمله خوانین حتی این سبچه‌ها هم متواری شدند (اشاره به‌یک دختر ۶ ساله و یک کودک ۱ ساله که از یک خانواده بچا مانده‌اند)، که من بگفته‌م بعد از حمله آنها را پیدا کردم. همینطور که می‌بینید ما هیچ‌گونه وسیله زندگی، حتی لباس و پوشاک برای جلوگیری از سرما هم نداریم.
در این میان زنی گریه‌کنان با لهجه ترکی صحبت این برادر را قطع میکند و استیثش را بالا می‌سازد و دستش را نشان میدهد و میگوید:
- ببینید، من دستم قلع است، اسم صنوبر است، خودم با خواهرم تنها زندگی میکنم، یتیم هستیم و هیچ سرپرستی نداریم. خوانین حتی بنا هم رحم نکردند و همه چیزمان را بردند، مشک آبمان را هم باره کردند.

ایشان بخاطر اینکه بارعیت صحبت نکرده و مستقیماً با خانها مذاکره نموده است و نیز بخاطر آزاد نمودن ۱۸ نفر از خوانین انتقاد می‌کنند پس از صحبت‌های زیادی که ردوبدل میشود آیت‌الله ربانی آنها را به‌کمونیست بودن متهم میکند (البته مسلمان بودن این عده برای دانشجویان مسلمان دانشگاه سیراز محرز است).
متحصنین پس از اینکه در سیراز به‌نتیجه نرسیدند راهی تهران میشوند و در شورای انقلاب متحصن میگرددند. در آنجا چند تن از اعضای شورا، از جمله دکتر حبیبی، آیت‌الله بهشتی، و دکتر یزدی با آنها صحبت می‌نمایند. و قرار میشود که در سیراز مسئله توسط استاندار حل شود. جالب توجه است که دکتر یزدی پس از اینکه خواستها و دردل متحصنین را می‌شنوند میگوید: من با ناصرخان تماس میگیرم و از ایشان می‌خواهم که با شما مذاکره کنند که متحصنین در جواب میگویند اگر ما می‌خواهیم با خانها مذاکره کنیم که به‌زود شما نیامدیم. دکتر بهشتی نیز پس از استماع سخنان متحصنین میگوید که طرح تقسیم اراضی درست نیست، اگر زمین‌ها بین کشاورزان تقسیم شود تولید پائین می‌آید. برادران عشایر در جواب میگویند اگر خوانین خود به‌کشت و زراعت بپردازند، حرف شما درست است، این ما هستیم که روی زمین کار می‌کنیم، کسانت پسر و بردانت محصول توسط ما صورت میگیرد و فئودالها هیچ نقشی در تولید محصول ندارند. اظهار نظرهای این مسئولین بخوبی نمایانگر بی‌شناسی در تشخیص تضادهای موجود جامعه مینماید.

بهر حال، این عده سپس راهی قم شده و با امام ملاقات می‌کنند. پس از ملاقات با امام عازم سیراز میشوند اکنون ایشان در سیراز بسر می‌برند و منتظر اقدام مقامات محلی هستند. لازم به‌تذکر است که این عده در تهران با استاندار اصفهانی ملاقاتی داشتند و از تواضع و همدردی ایشان تعجب مینمایند.



الآن من لباس ندارم و همه را بردند، حتی کاسه و دیگر وسایل اولیه زندگیمان را بردند. دو سه‌سب در بیابان و زیر باران آواره بودیم. از خواهرم هیچ خبری ندارم و نمیدانم کجا رفته. من نمیدانم به‌جسه کسی نکایت کنم
با یکی دیگر از برادران صحبت میکنیم:
- آبا خسروخان و ناصرخان ما خوانینی که در درگیری شرکت داشتند ارتباط داشته‌اند؟
- صدرصد، درگیری توطئه‌ای بوده که بوسیله همه خوانین صورت گرفته و همه در آن دخالت داشته‌اند.

چرا خوانین راضی نمیشوند که شما در قبال برداشت حق مرتع در این مناطق زندگی کنید؟
- بخاطر اینکه آنها می‌خواهند روابط خانجانی گذشته را حاکم کنند و از ما بعنوان برده استفاده کنند.
- آیا درگیری فقط با تیره نفر بود؟
- خیر، خوانین بطور کلی با همه رعیت مخالفند و همه کشاورزان دره‌نوری خانها را قبول ندارند.
- شما از مقامات مسئول چه انتظاری دارید؟
- ما الان به‌مرگ خورده‌ام هم راضی هستیم. حداقل بیابند و این گوسفندانی را که در حال سردن است ببرند. ما اکنون امنیت جانی نداریم و هر لحظه امکان دارد که خوانین دوباره حمله کنند. ما از دولت می‌خواهیم که بعدردلمان گوش کنند و ما را از این آوارگی نجات دهد.
چند روز بعد از غارتی که توسط خوانین صورت میگردد افرادی که متواری بودند به‌بهرامی عده دیگری از افراد تیره‌های نفر و جانپالو که در میان آنها زن هم دیده میشود به‌سیراز آمده و در استانداری متحصن میشوند.

دستگیری خوانین مسلح

حدود یک‌هفته بعد از درگیری، سیاه‌بساداران نورآباد حدود ۳۰ نفر از خوانین مسلح را در نهر دستگیر میکند و پس از بازجویی‌های مقدماتی ۱۸ نفر از آنها را با تحمل زحمت فراوان و خطرات احتمالی، به‌سیراز می‌فرستد و بقیه را آزاد می‌نماید. در بین این عده افرادی چون سهراب‌خان کنکولی وجود دارد که از سرسپردگان رژیم سابق بوده و مدارکی مثبتی بر همکاری وی با ساواک در دست است. پس از چند روز این عده توسط رئیس سیاه‌بساداران و آیت‌الله ربانی و نیز به‌توصیه بعضی مقامات از جمله فرمانده هنگ ژاندار مری گزرون آزاد میشوند. این عمل مسورد انتقاد سیاه‌بساداران قرار میگیرد. در پی آن تظاهرات وسیعی برای محکوم نمودن آزاد کردن خانها، در نورآباد مستنی بر پا میشود. پس از این واقعه چند نفر از دانشجویان مسلمان عشایر به‌بهرامی چند تن از دانش آموزان عشایر به‌زاد آیت‌الله ربانی میروند و از

برداشت‌ها و رهنمودها

- ۱ - با توجه باینکه مسائل موجود بارها بگوش مسئولین رسیده، کوچکترین کوششی در جهت رفع آن و جلوگیری از درگیری ننموده‌اند.
- ۲ - کسانی که برای حل قضیه مأمور شده‌اند، نه‌تنها جانب توده مستضعف را نگرفتند بلکه با آنها مذاکره هم ننموده‌اند. کسانی میتوانند این مسئله و مسائلی شبیه آنرا حل کنند، که از تضاد داسمی بین مستضعفین و مستکبرین آگاهی کامل داشته باشند و از بی‌تشی متکی و اجماعی لازم برخوردار باشند.
- ۳ - مسئولین باید بدانند که عشایر به‌هیچ‌وجه پشتیبان خوانین نیستند و توطئه خوانین با امتیاز دادن به‌آنها خنثی خواهد شد، بلکه اینکار تنها با قاطعیت انقلابی و پشتیبانی از توده عشایر عملی است. چه توده عشایر بارها در قطعنامه‌هایشان اعلام کرده‌اند که اگر مسئولین اجازه دهند فقط عده کمی از ما، برای کوتاه کردن دست خوانین از دست‌برخورد مردم زحمتکش، نه تنها در فارس، بلکه در تمام ایران کافی هستیم.
- ۴ - آزاد کردن خوانین سرسبرده علاوه بر اینکه برادران باسدار را با خطرات جدی روبرو مینماید، زمینه را برای توطئه‌های بعدی، بشکلی گسترده‌تر آماده مینماید.
- ۵ - مسئولین باید بدانند که مبارزه با امپریالیسم بدون مبارزه با سیاست‌های داخلی آن امکان‌پذیر نمی‌باشد و خوانین و فئودالها با سابقه تاریخی که از آنها در دست است، نه تنها عملکردشان به‌نفع امپریالیسم است بلکه عمال امپریالیسم هستند.
- ۶ - کوتاهی مقامات مسئول در حل اساسی و بنیادی تضادهای موجود، باعث نفوذ عوامل چپ‌نما و فرصت‌طلب، در بین مردم خواهد شد که این خود، نه تنها جمهوری نوبلی اسلامی را تضعیف میکند، بلکه جهرة واقعی اسلام در بین مردم وارونه جلوه داده میشود.
- ۷ - فقدان بی‌تشی کافی و لازم مسئولین از شرایط، و عدم درک اینمنظرب که در مقطع کنونی تضاد اصلی مردم ما با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکاست، خود به‌نفوذ عوامل چپ‌نما و فرصت‌طلب دامن می‌زند. مسئولین باید بجای بزرگ کردن کمونیسم، که بعضی از آنها با از این هم قسراتر گذاشته و به‌جوانان مسلمان مارک کمونیستی می‌زنند، به‌حل متکی و انقلابی قضایا بپردازند تا دیگر زمینه‌ای برای نفوذ و رشد عوامل فرصت‌طلب باقی نماند. هر چند عوامل فرصت‌طلب از فقر مسالی و ایدئولوژیک مردم برای طرح نعره‌ها و اجرای مقاصد خود استفاده میکنند، تنها بر خورد متکی مسئولین است که میتواند از اقدامات آنان بی‌تشی آنها جلوگیری کند و پشتیبانی وسیع مردم را جلب نماید.

استعمار صهیونیستی و آغاز مبارزه مسلحانه در فلسطین (۳)

جنگ کرامه

● جنگ کرامه، اولین مقاومت بیروزمانده فلسطین در مقابل اشغالگران صهیونیست بود.

در دره اردن، سی کیلومتری غرب عمان، شهر کوچکی قرار دارد که از افتخارات پساوندگان فلسطینی بنام می‌آید. با وارد شدن اولین گروههای فلسطینی باین منطقه در سال ۱۹۵۲، نام آنجا را کرامه (کرامت) نهادند.

نزدیک بیل «دامسیا» و سه ستون دیگر هر کدام سمت غرب، جنوب غربی در منطقه بل «جین» و محل «شونا» حرکت می‌کنند.

آغاز جنگ

سه ستون اول زرهی که توسط نیروی زمینی و جت‌باز حمایت میشد، به قصد حمله و محاصره کردن کماندوهای فلسطینی بطریق گازانسری وارد عمل میشد، تا بدین وسیله مانع فرار آنها گردند.

ستون مأموریت دارد جاده‌هایی را که از عمان به سوی شهر ختم میشد، بسته و با کنترل آنها مانع رسیدن نیروهای کمکی برای رزمندگان فلسطینی شوند.

با توجه به اهمیت این جنگ مورد اهمیت قرار گرفته، این است که برای اولین بار از سال ۱۹۴۸ و تقریباً یکسال بعد از شکست ارتش‌های عرب در جنگ نش روزه ژوئن ۱۹۴۸، این اولین مقاومت بیروزمانده در مقابل اشغالگران صهیونیستی بوده است.

جنگ کرامه، یک سمبل

این جنگ مورد اهمیت قرار گرفته، این است که برای اولین بار از سال ۱۹۴۸ و تقریباً یکسال بعد از شکست ارتش‌های عرب در جنگ نش روزه ژوئن ۱۹۴۸، این اولین مقاومت بیروزمانده در مقابل اشغالگران صهیونیستی بوده است.



به تجلیل و شکوه آن می‌پردازد. در پیروچه نیروهای خونین سبایر سیاه، این ایستگاه رادیویی به تمجید و ستایش تعاون و همکاری فدائیان فلسطینی علیه ارتش اردن پرداخته تا سرانجام وی در این رابطه بخش می‌کند.

ظاهر شدن کماندوها با سلاحهای خود در مجامع و هجوم جمعیت برای تسویق و تسقدر از نجات و پیروزی آنها (بعد از ۲۰ سال) و تسبیح جنازه با شکوه نهدان فلسطینی در کرامه، همه و همه امکان ایجاد یک تظاهرات عظیم به پشتیبانی فلسطینی‌ها را بوجود می‌آورد.

استثمار مضاعف عشایر

۸- به‌خوردن رفرمیستی با مسائل نه تنها آنها را حل نخواهد کرد بلکه به‌تشدید آن دامن می‌زند. به‌مسئولین هشدار می‌دهیم که زمینه درگیرهای مجدد بهیچ وجه از بین نرفته است و خواستین با جلسات متعددی که تشکیل می‌دهند، در صدد ایجاد تشنجات تازه و توطئه‌های جدید می‌باشند.

رهنمودی برای مشکلات

اولویت استفاده از آب آنرا به‌اندازه نیاز به‌صاحب جاه می‌دهد و مازاد آنرا در اختیار بقیه زارعین قرار می‌گیرد.

۱۴- در اختیار گذاشتن کود و مواد سمپاشی و بذر مرغوب

● در مناطقی که دولت نمی‌تواند از وقت آزاد کشاورزان در بخش صنعتی استفاده کند، باید که روستائیان آن مناطق را تشویق کند که در وقت اضافی خود به‌ساختن صنایع دستی محلی و قالی باقی اقدام کنند.

برای باروری هرچه بیشتر کشت کشاورزان آنها ناگزیر به‌کود و مواد سمپاشی و بذر مرغوب احتیاج دارند و استفاده از این نوع مواد هم بستگی به‌نوع زمین و محیط دارد که برداشت میالغ خرید این مواد از عهده کشاورزان خارج است و دولت باید در ازاء بازپرداختهای بدون بهره طسولاتی سمدت از طرف کشاورزان این گونه مواد را به‌مقدار مورد نیازشان بلامعا حساب سود در اختیار آنها قرار دهد.

۱۶- تشویق به‌پرورش دامداری و صنایع دستی

در مناطقی که دولت نمی‌تواند از وقت آزاد کشاورزان در بخش صنعتی استفاده کند باید که روستائیان آن مناطق را تشویق کند که در وقت اضافی خود به‌ساختن صنایع دستی محلی و قالی باقی اقدام کنند و دولت اقدام بخرد و صادرات آنها بنماید.



علاوه بر این بزرگترین نهاد دین در فلسطین است که برای اولین بار از سال ۱۹۴۸ و تقریباً یکسال بعد از شکست ارتش‌های عرب در جنگ نش روزه ژوئن ۱۹۴۸، این اولین مقاومت بیروزمانده در مقابل اشغالگران صهیونیستی بوده است.

کرامه، پایگاه فلسطینی‌ها

بعدها، با ورود ۲۵ هزار آواره فلسطینی دیگر باین شهر که در چهار کیلومتری خط آتش پس قرار گرفته بود، هدف مناسبی برای آشنابرها و هواپیمای اسرائیلی بنام صیرفت. سازمان الفتح تصمیم می‌گیرد شهر کرامه را بصورت پایگاهی مطمئن برای نفوذ به‌خاک اسرائیل و رهبری جنگ‌های چریکی علیه آن در آورد.

با توجه به دلایل سیاسی مذکور، و هیران الفتح تصمیم به‌ایستادگی و مقاومت در مقابل هجوم نظامی اسرائیل می‌گیرند. ساعت ۵:۳۰ دقیقه روز ۲۱ مارس ۱۹۶۸، چهار ستون زرهی از مرز گذشته وارد خاک اردن می‌شوند: یک ستون ب‌طرف شمال غربی کرامه

منشا «سیا» و سازمانهای آن



معنولاً وقتی صحبت از اطلاعات می‌شود، بحث از جاسوسی، ضدجاسوسی و دنیای سرویس‌های مخفی می‌شود. حدود عمل‌کرد آنها (سرویس جاسوسی) محدود به بدست آوردن اطلاعات سیاسی، اقتصادی، نظامی، تکنولوژی نمی‌شود. این سازمانها نقش حفاظت از منافع ملی در مقابل تمام‌های نودهای و سازمانهای مبارز انقلابی را برعهده دارند، و با شناسایی مبارزین و ورخته در گروه‌های مخالف و سرکشی آنان با اصطلاح ضد دارند حکومت‌ها را از خطر سقوط برهانند.

عمل کرد و اقدامات این سازمانها (سازمانهای جاسوسی) میدان وسیعی را در بر می‌گیرد. این فعالیت‌ها عبارتند از: دخالت در امور داخلی کشورها (نوطه، اعتیاد و...) برای ارتقای دولت‌های ملی، پرور شخصیت‌های سیاسی و ملی، نفوذ در ارگانهای مختلف منظور کنت و بدست آوردن اطلاعات گوناگون، اقتصادی، سیاسی، نظامی و قدرت هر یک از آنها و ایجاد شبکه‌های جاسوسی و ضد جاسوسی.

سازاری از ملل که خواهان حفظ و بسط نفوذ و قدرت خود در سایر کشورها هستند، دارای سرویس‌های اطلاعاتی بوده، که هادی آنها در تعیین خط‌مشی سیاسی آنان می‌باشد. یکی از این سرویس‌ها که دامنه‌ی عملیات خود را در سطح جهانی گسترش داده است، آمریکا می‌باشد. سرویس‌های خبری آمریکا از اهمیت سیاسی اقتصادی خاصی برخوردار است. دیگر کشورها مانند

رومان، شوروی، انگلیس و فرانس و... نیز دارای سرویس‌های اطلاعاتی هستند. این سرویس‌ها در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است. این سرویس‌ها در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است.

اسرائیل و... بوجود آورده است. نوسه جنگ سرد و تفکرنسینی استعماراز آسبا، این مسئله را نشان داد که آمریکا ملزم است که خود بطور جدی در ساخت سن‌المللی دخالت کند.

بعد از جنگ دوم جهانی آمریکا با ترک سیاست انزواگرایانه، خویش را ملزم می‌بیند که عمده‌دردفاع ازمنافع سیاسی، اقتصادی آمریکا در سراسر جهان باشد. از این زمان آمریکا خود را درگیرمکملی در مناطق جهان می‌کند که «سیا» عم

از طریق هوا برای ناوگان سازمان سیا حاضر در محل بوده است. دخالت شرکت هوآنی حمل و نقل حبوب در سرکوب تمامها و اطلاعات آمریکا لاسن در سالیهای ۱۹۶۰، کمک قابل توجهی به سازمان سیا بوده است.

شرکت هوآنی آمریکا نیز بموده خود در جنگ‌های سری لائوس دخالت‌های فراوانی داشته و با حمل و نقل و ارسال سلاح برای سربازان و پیماناران مناطق جمع جنگ‌جویان در کنار سیا فعالیت مهمی داشته است.

سازمان سیا، برای اداره، بعضی از دستگاههای راديو نيمك در كورهاي خارجي، كه دارای برنامه‌های ضد کمونیستی هستند، کمک مالی می‌کند. در میان این دستگاههای راديوئی میوان به راديو مهم اروپائی، راديو آزادی و دیگری اروپائی آزاد و راديو آمریکا نام دارند. كه این راديو (راديو آمریکا) در حزره كارائيت قرار دارد. سازمان سیا، دارای چهار بخش بسیار مهم می‌باشد. كه هر يك نام و نقش خاصی دارند. رابطه با مركز رهبری استود: اداره اطلاعاتی علمی و تکنولوژیک، اداری و سرویس و بالاخره بخش عملیات كد (رمز) تمام سرویس‌های سری.

اداره اطلاعاتی، ماموریت جمع‌آوری تجربه و تحلیل تمام اطلاعات تهیه شده و بالاخره ارزیابی آنها را برعهده دارد. سازمان سیا، گزارشات روزانه‌ی رسیده را تنظیم و آنها را بصورت منظم تجزیه و به رئیس‌جمهور و دولت تسلیم می‌کند. اداره علوم و تکنولوژی با ۳۵۰۰۰ پرسنل و بودجه‌ای بالغ بر ۷۰ میلیون دلار به تحقیق و پژوهش و آنالیز تمام فنون جدید علمی مشغول می‌باشد. میدان این بخش در مسائل سلاح‌های اتمی، هواپیماهای جاسوسی از نوع R-۲۲، U-۲ و هواپنار جاسوسی دیگر مانند ماهوسی می‌باشد. افرادی که در این بخش کار می‌کنند در حدود ۱۳۰۰ نفر و بودجه آن سالانه به ۱۲۰ میلیون دلار بالغ می‌گردد. مدیریت‌های بخش اداری و سرویس‌ها، به نوبه‌ی خود مسئول تمام مسائل معیشتی می‌باشند. این قسمت از سازمان عریض و طویل نیز مسئول تمام ندرکات نظامی، ارتباطات، امنیت و همچنین مسئول رزمهای سازمان می‌باشد. این بخش با در اختیار داشتن تقریباً ۵۰۰/۰ نفر و بودجه‌ی معادل ۵۵ میلیون قسمتی از عملیات مدیریت را نیز انجام می‌دهد. بالاخره مدیریت عملیاتی، كه مسئول تمام فعالیت‌های مخفی سازمان سیا می‌باشد، یعنی مداخله‌ی غیرمستقیم (عملیات‌نویه نظامی)، جاسوسی و ضد جاسوسی، این قسمت اداری ۶۰۰۰ پرسنل داشته كه شامل عملیات سفارتخانه و پرسنل دارای نیز شامل آن می‌شود. بودجه آن هم‌زمان ۵۵ میلیون دلار در سال می‌رسد. ادامه دارد.

مخبر به سقوط دولت‌های ملی (مصدق، آلمده و...) شده است. دست‌داده‌ها، اینها را در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است.

● علیرغم رسوائی‌های بین‌المللی‌ای كه «سیا» در جهان بیار آورده است، آمریکائیان مغروران دارند چنین سرویس اطلاعاتی می‌باشند.

مخبر به سقوط دولت‌های ملی (مصدق، آلمده و...) شده است. دست‌داده‌ها، اینها را در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است.

● در ژانویه ۱۹۴۶ ترومن رئیس‌جمهور آمریکا يك «قدرت اطلاعاتی ملی» را زیر عنوان «گروه مرکزی اطلاعات» را تأسیس می‌کند كه اولین قدم در جهت تولد یافتن «سیا» بود.

اطلاعی در مورد آنها نداشت. بطوریکه آنها در زمینه ساخت درست و توانایی و اهداف کشورهای دیگر، نامطمئن و گاهی ناتوان بودند. تا جایی كه شخصیت صحیح دوست از دشمن مشکل می‌نمود. مسلم است كه آمریکا نه تنها فاقد يك سیاست خارجی مطابق با شرایط جدید بود، بلكه موازات دولتی مخصوص برای توسعه و به اجرا گذاشتن يك سیاست روشن نیز دارای آن قدرت لازم و كفايت کافی نبودند.

در ژانویه ۱۹۴۶ ترومن رئیس‌جمهور آمریکا يك «قدرت اطلاعاتی ملی» را زیر عنوان «گروه مرکزی اطلاعات» را تأسیس می‌کند كه اولین قدم در جهت تولد یافتن

«سیا» بود. در جریان همان سال و در ژانویه ۱۹۴۷ فشارهای دولت مبنی بر ایجاد يك ارگانيسم اطلاعاتی مداوم و همبستگی كه به آنها امکان اتخاذ يك سیاست صحیح در امور خارجی را بدهد، روز بروز بیشتر می‌گشت. عملی شدن این خواست دولت، بستگی به متقاعد کردن كنگره داشت. در اینجا سه عامل و فاكٲ برای دادن اختیار لازم به دولت برای تأسیس «سرویس متمرکز اطلاعاتی» كارك گرفته شد: استفاده تبلیغاتی از حمله زاین به بندر برهابور، و اینکه اگر آمریکا دارای يك سرویس خبری قوی می‌بود، واقعه حمله زاین به ناوگان آمریکا رخ نمی‌داد. سپس پیشترفت روسها را در میدان جاسوسی مطرح کرده، آنرا دلیلی برای خلق سازمان جاسوسی افانه می‌كند. مقامات دولتی آمریکا اظهار می‌کنند، چگونه میوان مسئولیت‌های بین‌المللی جدید خود را بدون در اختیار داشتن يك شبکه اطلاعاتی وسیع جهانی انجام رسانیم؟ بدنیال تقاضای دولت، برای تأسیس يك ارگان اطلاعاتی دائمی، سنا متخصص اطلاعاتی زمان جنگ را O.S.S. به‌آلن دالاس معرفی می‌کند، ناوی درمورد رتئوس سنله، يك با دداشت سیاسی تهیه و در مورد آن مطالعه كند. آلن دالاس در گزارشی كه در ۲۵ آوریل ۱۹۴۷ به كنگره تسلیم می‌كند، اصول و اساس يك سرویس اطلاعاتی را طرح‌ریزی نموده بود. طبق این سند مقدمات قانونی كردن سرویس جاسوسی سیا در سال ۱۹۴۷ تهیه و تدوین گردید بدین صورت سیا بطور رسمی فعالیت‌های خود را در ۱۸ سپتامبر همان سال آغاز می‌کند. ترومن در دفتر خاطرات خود راجع به آن می‌نویسد: «در قانون سوراژی از افراد امنیت ملی، مركز از رئیس‌جمهور، شخصیت‌های مهم وزارت دفاع، ارتش‌های زمینی، هوآنی و دریائی، اداره تسلیحات تحقیقاتی و منابع استراتژیک در نظر گرفته شده است. «این سورا مسئول ارزیابی و برآورد امنیت کشور و مورد بحث قرار دادن مسائل و منافع سترگ تمام سازمانها دولتی در این زمینه می‌باشد. «ارگانيسم‌های دیگر: «ارگانهاى مختلف اطلاعاتی تحت نظر سیا است كه اسناد را مطالعه و دستف یبدي می‌کنند. فعالیت‌های مختلف آنها نیز بنیوه‌ای اقتصادی توسط «سیا» بررسی می‌گردد.

● باز گشت سرمایه‌داران «مومن» از خارج بايران

كارگران و كارمندان شركت ساختمانی بیروز طی گزارشی، ضمن دادخواهی از امام خمینی و آقای قدوسی داد - ستان گل انقلاب اسلامی، به مقامات مسئول هشدار داده‌اند كه عناصر سرمایه دار پس از مراجعت از خارج و خالی كردن خزانه بیت المال، قصد خروج از ایران را دارند. در گزارش چنین آمده است:

«ما كارگران و كارمندان شركت ساختمانی بیروز پس از مراجعات مكرر سازمان برنامه‌برای كومه كردن دست شراكی شركت كه طرف سی‌سال گذشته با زدو بند، حدود پنجاه میلیارد ريال كترانهای ساختمانی راهسازی را با ترخه‌ای دلخواه گرفته و بعد از انقلاب نیز با تعطیل كردن كارگاههای خود، بیش از يك هزار نفر را بكار نموده‌اند و تمامی ماشین‌آلات راهسازی و ساختمانی و نقلیه‌ای را كه در اختیار داشته فروخته رسانیده‌اند، نتحسه نكرفته‌ام. وسيس چنین ادامه‌میدهند كه:

۱- ما اعلام می‌كنیم شراكی شركت با نفوذ زسادی كه در ادارات دولتی دارند، حتی مشغول آزاد كردن حدود پنجاه میلیون ريال ماشین آلانی را كه جهاد سازندگی خوزستان در خرمشهر توفیق نموده‌بود، می‌باشند تا فروش برسانند. كه این ماشین آلات را با قسمتی از بیش پرداخت وصولی از وزارت تعاون و امور روستاها خریداری نموده‌ند. و اخیراً يك صورت وضعیت حدود بیست میلیون تومانی را هم بدون انجام هیچ‌كاری برای وصول به وزارت خانه قوق الذكرفرتسا داده‌اند

● علیرغم رسوائی‌های بین‌المللی‌ای كه «سیا» در جهان بیار آورده است، آمریکائیان مغروران دارند چنین سرویس اطلاعاتی می‌باشند.

مخبر به سقوط دولت‌های ملی (مصدق، آلمده و...) شده است. دست‌داده‌ها، اینها را در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است.

● علیرغم رسوائی‌های بین‌المللی‌ای كه «سیا» در جهان بیار آورده است، آمریکائیان مغروران دارند چنین سرویس اطلاعاتی می‌باشند.

مخبر به سقوط دولت‌های ملی (مصدق، آلمده و...) شده است. دست‌داده‌ها، اینها را در جهت بدست آوردن اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و... فعالیت می‌کنند. در این زمینه، آمریکا از پیشروان است.

آشنائی با لیبرالیسم

بقیه از صفحه اول

بود و سیر آن در طی قرون گذشته تا به امروز به چه نحو بوده و نیز اینکه این مکتب تا کون از منافع چه قشر و طبقه‌ای دفاع کرده است. باید اینک با شناخت این طرز تفکر کهنه و بسوسیده اقتصادی بتوانیم از گسترش بیشتر آن در جامعه بویژه در بین طبقه حاکمه جلوگیری کنیم و عملکرد انقلابی را در صحنه اقتصاد، جایگزین آن کنیم.

«انسان اقتصادی»

بنیانگذار لیبرالیسم اقتصادی، آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) اقتصاددان انگلیسی است. اسمیت، بهنگام سکونت خود در پاریس با هلوئیوس متفکر فرانسوی آشنا شد. هلوئیوس میگوید تا در فلسفه خود، اخلاق سناسی را از قید و بندهای دینی برهاند. او اعلام کرد که خود خواهی صفت طبیعی انسان و عامل بسیرت، اجتماعی است. اخلاق سناسی جدید و سوداگرانه بر این فرض مبتنی بود که هر کس بطور طبیعی می‌کند تا نفع شخصی خود را دنبال کند. هلوئیوس، نقش نفع شخصی را در جامعه با نقش جاذبه در طبیعت مقایسه می‌کرد. این موضوع با اندیشه برابری طبیعی ارتباط پیدا میکند: هر کس صرف نظر از خانواده و موقعیت اجتماعی خود، باید فرصت آنرا داشته باشد تا نفع خود را تعقیب کند و چنین وضعی به نفع همه مردم جامعه تمام خواهد شد.

اسمیت این اندیشه‌ها را تکامل بخشید و آنها را در علم اقتصاد بکار گرفت. نظر او درباره طبیعت انسان و رابطه میان انسان و جامعه نالوده مکتب لیبرالیسم کلاسیک قرار گرفت مفهوم انسان اقتصادی کمی بعد شکل گرفت، ولی ابداع کنندگانش از اسمیت الهام گرفتند.

نوعه استدلال اسمیت تقریباً باین صورت است: انگیزه اصلی فعالیت اقتصادی انسان نفع شخصی است انسان میتواند با انجام کارهایی برای دیگران، یعنی به مبادله کالا و محصول کارش نفع شخصی خود را دنبال کند. از همین روست که تقسیم کار بسید می‌آید. مردم به یکدیگر کمک میکنند و در نتیجه باعث پیشرفت جامعه میشوند، هر چند که هر یک از آنها فرد خود خواهی است و فقط به نفع خود می‌اندیشد. تلاش طبیعی انسان در جهت بهبود وضع مادی خود و چنان محرک نیرومندی است که اگر به حال خود گذاشته نشود، میتواند جامعه را به سر منزل رفاه برساند.

حال اگر به سخنان وزیر کشاورزی دولت موقت نظری بیفکنیم، خواهیم دید که بوی عقاید اسمیت از آن برمیآید. وزیر سابق کشاورزی در «مجمع ملی مشورتی آموزش کشاورزی»، اظهار داشت که: «سیاست دولت اساساً معطوف به بسزوهی، ارتداد و آموزش و همچنین تأمین خدمات زیر بسناتی و اعتبارات بوده و از هر گونه دخالت‌های بی‌رویه در امور کشاورزی خودداری خواهد شد... سازمانهای و مؤسسات تولیدی دولتی از قبیل شرکتهای سهامی زراعی و کنت و صنعت، بتدریج برمد ذیعت و بافواد واجد صلاحیت و حتی الامکان محلی واگذار خواهد شد»

این نظریه که دولت باید در قبال بخش خصوصی و سرمایه‌داران، تنها سیاست ارتدای داشته باشد و از دخالت‌های بقول وزیر سابق کشاورزی، بیجا در کار آنها خودداری کند. با الهام از مکتب لیبرالیسم غرب میباید که معتقد است سرمایه‌داران در راه رسیدن به نفع شخصی در نهایت به جامعه خدمت میکنند. برنامهریزان اقتصادی دولت موقت تا آن حد به این تئوریهایی بسورزواتی دلپسته بودند که رئیس دولت، خلق مالکینهای نامشروع را توسط دادگاههای انقلاب غیر قانونی میدانست و وزیر کشاورزی معتقد بود که حتی شرکتهای کنت و صنعت که در دوران طاغوت در دست دولت بود، باید به بخش خصوصی واگذار شود. ایشان پیشنهاد می‌کردند که حتی بخش دولتی موجود

و محدود کردن فعالیت سرمایه‌داران. سوم، اسمیت برنامه تجارت خارجی آزاد را تنظیم نمود، از این رو جنبش تجارت آزاد بسا گرفت که بورژوازی صنعتی انگلستان در قرن ۱۹ برجمدارتس گشت.

چهارم، اسمیت مخالف صنوعیت ورود و صدور برخی کالاها، عوارض وارداتی سرسام آور و کلاً هر چیزی که «از ای اقتصادی» سرمایه‌داران را محدود کند بود.

طرز فکر اسمیت، منجر به رشد بورژوازی در انگلستان و بس تکامل سرمایه‌داری در غرب بویژه در ایالات متحده آمریکا گشت. سرمایه‌داری جهانی همیشه از داشتن روابط آزاد تجاری با کشورهای زیر خواهد ساخت.

● اکنون هم، سرمایه‌داری جهانی و عوامل آن در کشورهای جهان سوم از جمله لیبرالهای ایران از آزادی فعالیت اقتصادی و از برقراری روابط اقتصادی آزاد بین جهان سوم و غرب حمایت می‌کنند.

● ما امیدواریم که مردم ایران با دست رزدن به سینه لیبرالهای جدیدی که کاندیدای ریاست جمهوری شده‌اند، ایران را گورستان تئوریهایی سرمایه‌داری و حامیان آن کنند.

«اقتصاد آزاد»

اسمیت معتقد بود که به شرط حرکت آزاد کالا و پول، سرمایه و کار، ثروت جامعه به بهترین وجه ممکن بکار گرفته خواهد شد. اندیشه رقابت آزاد الهیاتی آئین اقتصادی وی بود. در کتاب «ثروت ملتها»، هم جا صحبت از رقابت آزاد و دخالت نکردن دولت در فعالیت‌های اقتصادی است. اسمیت حتی این اصل را در مورد بزنگان، استادان دانشگاه و... روحانیان صادق میدانند.

از نظر اسمیت، اقتصاد آزاد در عمل مستلزم اتخاذ تدبیرهای زیر است: اول، او خواهان لغو همه قانون‌های بود که تحرک کار را محدود میساخت، بدیهی است که هدف عینی چنین درخواستی تضمین آزادی صاحبان سرمایه بود. دوم، اسمیت مخالف هر گونه مداخله دولت در صنعت و تجارت داخلی بود. مالیات غیر مستقیم که بر برخی کالاهای داخلی بسته میشود فقط باید بمنظور تأمین درآمد بوده باشد و نه تأثیر گذاشتن بر اقتصاد

نگذارند یکبار دیگر دانش آمرخگان در غرب و بیرون راه‌های بورژوازی برسر کار آیند.

شکست جهانی لیبرالیسم اقتصادی:

اقتصاددانان لیبرال در قرن ۱۸ و ۱۹ انگلستان، فکر میکردند هر تئوری که در انگلستان بکار آید، در سراسر جهان نیز قابل اعمال خواهد بود. ولی بسعداً معلوم شد که رقابت، رقابت را نابود میکند. رشد ابزار تولید و در نتیجه بسدایش شرکتهای بزرگ (مونوپول) رقابت را در صحنه اقتصاد بتدریج محدود کرد و زمینه فعالیت اقتصادی بتدریج برای اکثریت مردم محدود شد و تنها شرکتهای بزرگ بودند که از آزادی اقتصادی نفع میبردند در حقیقت «انسان اقتصادی» اسمیت با دنبال کردن نفع شخصی، اگر چه رشد اقتصادی را بسیار مبادود، ولی از لحاظ عینی زمینه سقوط آنرا نیز فراهم می‌کرد. اسمیت، «انسان اقتصادی» و خصلت‌های سودجویی و خود خواهی را ترجمان سرنت جاودانی و طبیعی انسان میدانست و تصور نمی‌کرد که این خصلتها در شرایط ویژه‌ای قابل تغییر است.

انستیه بودن این تز سرانجام در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ بر همگان آشکار شد. سیردن اقتصاد بدست نفع طلبی فردی، بهرانهای اقتصادی - تورم و رکود - اختلاف شدید طبقاتی، عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی و اخیراً آلودگی محیط زیست را بسیار آورد. این نتایج، اقتصاددانان غرب را بر آن داشت تا برای جلوگیری از شکست نهائی سرمایه‌داری، دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی را تسجوز کنند و غلط بودن لیبرالیسم اقتصادی را بپذیرند. در حال حاضر در کشورهای سرمایه‌داری عرضه بسیاری از کالاها و خدمات را دولت خود بسعهده گرفته و دست بخش خصوصی و سرمایه‌داران سوجسو را در بسیاری موارد قطع کرده است.

لیبرالیسم اقتصادی، بویژه در جهان سوم بهلاهی اقتصادی و سیاسی فراوانی را تا کون بر سر طبقات زحمتکش آورده است. انقلاب ایران بسعنوان یک انقلاب خلقی و اسلامی باید ندیداً از راه‌لهای بورژوازی و لیبرالیستی بیریزد و قاطعانه در جهت مسحر آسار استعمار و استثمار و دفن طرز فکرای سرمایه‌دارانه حرکت کند.

● اربعین حسینی

شعائر و سنن اصیل اسلامی که از بطن فرهنگ بويا و مبارز و انقلابی اسلام جوشیده، همیشه فرا راه مبارزه و قیام‌های مردمی بوده و نقش اصیل، بويا و حساس خود را در تاریخ مبارزات نمایانده است. اربعین بمنابه یادآوری و ذکر مجدد مصیبت و اندوه از دست دادن عزیز و عزیزانی است که وجود و حرکتشان برای سرنوشت جامعه و برای مبارزه و مکتب جاگاه وارزشی خاص داشته است. یادآور دلاوریهیها و جانشانی‌ها و گذشت و ایستار فرزندان دلیری است که یادشان و ذکر حماسه‌های مقاومت و مبارزه - شان کانونی برای بسیج خلق و تبلیغ و تداوم بخشیدن به راهی است که شهید بخاطر تحقق سلاح برگرفته و عاشقانه جان باخته است. ذکر است که "ماندگان" هرگز پیام شهدا و عزیزان امت را بساد فراموشی نسپرده‌اند و نمودار این تکتک که در فرهنگ تشیع شهدادبعنوان یک فرهنگ رهایی بخش که اربعین واربعینات با تداوم بخشیدن به اصالت راه اصیل، مبارزه و انقلاب را حتی از بلای سنتها و شعائر باز کرده و بیش می‌رود. در مقطع کنونی بقول امام این نسیم اسلامی که وزیدن آغاز کرده است وظیفه نیروهای متعهد اسلامی باز گرداندن محتوای انقلابی و اصیل شعائر و سنن بويای اسلامی و مبارزه مداوم و جدی با فشریت و سطحی نگری و بازگشت به فرهنگ خشک و بی روح تشیع صفوی است که مناسفانه امروزه با بازگشت بفکر اصیل اسلامی اشتباه شده است.

در اربعین اسامال نیز مردم چون سبلی خروشان بسوی میدان امام حسین برای تجدید عهد با شهدا و امام سرازیر شدند. اما مناسفانه چیزیکه در اینجا و در این قبیله راهیمائیهیها همیشه بسجشم میخورد، حاکمیت انحصار طلبی و میدان ندادن به

یاد یادآوران توحیدی

در فرهنگ اسلامی مرگ بمعنی پایان همه چیز و نابودی انسان و اعمال او نیست بلکه خود، شدن و حرکتی است که بتبع جنبش و حرکت این جهانی شکل می‌گیرد و تداوم خود را در جهت مسیری که انسان خود آفریده است ادامه می‌دهد و در یک کلام در پیش اسلام زندگی «عقیده‌ای» است که محمد (ص) و کلیه فرزندان راستینش سرجان بخاطر تسحق آن باخفتند و بانار جان خود به عقیده و ایمان تداوم جاوید بخشیدند. اسلام زندگی را در زنده بودن تنها نمی‌بیند بلکه در تحرک مداوم و تکامل و تعالی بخش می‌بیند. از همان دید مرگ را نیز صرف مردن و نفس نکشیدن و دم برنیآوردن تلقی نمی‌کند. زندگی محمد را بتنگریم. سراسر مبارزه، ایمان و عشق به الله و به خلق در هر لحظه از زندگی موج می‌زد. انسانی که بفرمان الهی برای بریاتی قسط و عدل اجتماعی و نابودی مظاهر شرک اجتماعی و ایجاد جامعه تسحیدی و کمک به انسان برای بازبایی شخصیت اصیل و توحیدی خود قیام کرد. و راه خوب زیستن و خوب مردن را به انسانها نشان داد. جامعه‌ای ساخت که در آن انسان‌ها با بازگشت به سرنت اصلی خود، همیشه آماده نبرد و جهاد بودند. حرکتی را آغاز کرد که قدمن به بلندی و بزرگی اندیشه الهی و به عظمت رنج و تلاش سبانه‌روز

انبیا: توحیدی است. انسانی که رنج تسجید و تسکجه مکیان را بردوش دارد، با کلام و سلاح برای اعتلای کلمه «الله» و تحقق جامعه توحیدی و امت واحد که در صدر برنامه تمام انبیا، توحیدی است، بیا خاست. در مدینه، اولین سنگر و پایگاه انقلاب - مسجد را بنا نهاد و متبرتن را محراب نامید. یعنی که مسجد و منبر محل حرب و جنگ و مبارزه است و زسانیکه مرگ را نزدیکتر می‌دید لشکریان مسلح را بسجد خواند، یعنی که، تئوری انقلابی و عمل انقلابی را باید از مساجد شروع کرد، که مسجد و محراب محل تبلیغ مبارزه و قیام و انقلاب است. در دوران هجرت امت انقلابی و مبارز خود را بی‌ریزی کرد و فاتحانه مکه را گشود و در حالیکه نگران سرنوشت جامعه اسلامی بود جامعه‌ایکه خطر اغتشاشات داخلی احمای روح جاهلی و غرض ورزی‌های شخصی و گروهی تهدیدش میکرد، به سرای جاوید تسافت علی در راه تداوم انقلاب محمدی شهید شد. فتنها اوج گرفت معاویه و سایر اویسانان و منافقین در لباس اسلام تسلط جابانه خود را استحکام می‌بخشیدند. اکنون امام حسن است و انبوه معاویه‌ها و معاویه گریبان که بزور شمشیر و بخاطر حفظ منافع مادی و گروهی و طبقاتی خویش به تیرنگ به جبهه اسلامی بیوسته‌اند و خیل منافقین متزلزل که در برابر کسبه‌های زر و سیم معاویه به آسانی خود را می‌فروشدند و گروه گروه امام را در صحنه مبارزه ترک می‌کنند و او را با اندکی یاران مؤمن و مبارز تنها می‌گذارند. جبهه مقاومت مسلحانه امام را می‌نکند: به توطئه‌ها بر علیه جان امام دامن می‌زند و.....

مسئله معاهده بی‌بی می‌آید، مسئله‌ایکه مناسفانه عده‌ای بخاطر تنگ‌نظری و فقدان پیش تحلیلی از تاریخ و مبارزات تاریخی و معتقد به یک سری نمونه‌ها و تحلیل‌های قالبی و جزمی، مفرضانه به لولش میکنند. در جاییکه بقول یک انقلابی معاصر «سازش نکردن در موقع لزوم تاکتیک چینی یک طبقه انقلابی نیست، بلکه عمل بهنگانه و روتنفرکان است». امام با شناخت و تحلیل درست از شرایط عینی جامعه و ارزیابی نیروهای خود و دشمن قادر به ادامه سیرد مسلحانه نبود، در واقع هیچکدام نه امام و نه حتی معاویه مکار با خیل سبایان قادر نبودند نبرد را ادامه دهند، معاویه بدلیل عدم شکست سیاسی امام و امام حسن (ع) بخاطر برانگیزی یاران و عدم شکست نظامی معاویه.

در یک کلام باید فرقی بسباری گذشت میان آنکس که سازش میکند با آن کس که ضرورت‌ها را تشخیص میدهد. هر چند این معاهده بسته نداسا معاویه یک لحظه از کار امام غافل نشود. بعد از توطئه‌های زیاد آخر الامر امام را بدست زوجه‌اش جمعه دختر اشعت کندی که از سرداران خوارج بود بسهادت رساند.

فرزندان بسایم در تداوم مبارزه و منتصل نگهداشتن نسعه‌ای که بسایم افسروخته بسود بقیام برخاستند، حسین آمد و آنگونه حماسه‌آفرین بسهادت رسید هر کدام از امامان نسعه با تاکتیک مناسب شرایط اجتماعی. سیاسی جامعه در مقابل جریان ایستادند و در گوشه زندان‌ها یا در صحنه‌های نبرد با بسا توطئه خائنه خصم بسهادت رسیدند. هر چند امامان بزرگ نسعه از نظر نسوه‌های مبارزاتی رونهی‌های متناسب با دوره خود انتخاب کردند که دقیقاً تسبیت از شرایط عینی مبارزه بود، همه بدست جلاخان غاصب شربت سهادت نوسیدند که این خود تداوم و اصالت فرهنگ سهادت را در تشیع انقلابی نشان میدهد. می‌آموزد که برای یک انقلابی یک امام و یک رهبر سهادت نیز حره‌ای است بر علیه خصم و بهانه‌ای برای تداوم و گسترش مبارزه. تا بیاموزند که تنها در صحنه بودن و در افتادن با مستکبرین و مستبدین است که میتوان در جهت نابودی ریشه‌های شرک اجتماعی و عقیدتی و اعتلای کلمه حق حرکت کرد. در چنین روزهایی وفات بسایم بزرگ و سهادت دوتسن از امامان نسعه و فرزندان بسایم، امام حسن امام رضا علیهما السلام را به امام و امت بیاخسته تسلیت می‌گوئیم. امید است که با شناخت عمیق از شرایط اجتماعی و موضع‌گیری‌های امامان بزرگوار در تداوم انقلاب خود کوشا بانیم.

ارزیابی اصولی از

صفحه از صفحه ۲

روی اهداف فوق باشد.

این مسائل در برنامه‌های رساندهای ریاست جمهوری روشن نیست و تضادها و تناقضات زیادی در رابطه با اصول و ضرورت‌های فوق مشاهده میشود که روشن کردن آنها وظیفه مبرم و تعهد حتمی نامزدها و سازمانهای وابسته به آنهاست. ما یکی از شرط‌های تأمین وحدت خلق در مبارزه ضد امپریالیستی را اصلاح قانون اساسی دانستیم و بر

منخص توضیح دهند که بایگامهای امپریالیسم را در داخل و نیروهای ضد انقلاب و جبهه ضد خلق را چگونه تعریف و شناسایی می‌کنند؟ آیا لیبرالیسم را از مهمترین نقطه اتکاه و امیدهای امپریالیسم می‌شناسند یا نه؟ آیا عملکرد لیبرالیسم از سبب سوزی انقلاب تا کنون به نفع امپریالیسم بوده است و اگر جریان لیبرالیستی یک جریان انحرافی و رو به وابستگی و تکیه‌گاه سرمایه‌داری وابسته است. آیا از آغاز، تحلیل و شناخت درستی از آن ارائه داده، نسبت به آن افشاکاری و مبارزه جدی کرده‌اند؟ آیا کلیه اقدامات و تصمیمات لیبرال‌ها را که به زبان خلق و انقلاب صورت گرفته محکوم می‌کنند؟ و اگر چنین نکرده‌اند و با لیبرالیسم و دولت لیبرال روتن مسالمت و تأییدآمیز پیش گرفته‌اند، علت آنرا توضیح دهند، بروشنی جریانات و نیروهای که عملاً در خط عملکرد امپریالیسم حرکت می‌کنند معرفی و نظر و برنامه خود را نسبت به آنان اعلام کنند. زیرا به اعتقاد ما، ناسی سبب سوزی عناصر لیبرال زیاد است و لیبرالیسم سازشکار بعد از سرنگونی رژیم بزرگترین ضربه را به انقلاب و بزرگترین خدمت را به امپریالیسم و ضد انقلاب کرده است.

حکومت مردم بر مردم

اگر در برنامه‌های خود به حکومت مردم بر مردم اصالت میدهند، تناقض آنرا با دیدگاههای مکتبی چگونه حل می‌کنند. و آیا طرح این شعار که ریشه در دموکراسی غربی دارد با حاکمیت مردم در چارچوب اصول مکتبی مغایرت ندارد و انحراف از اصول محسوب نمی‌شود، و هدف از طرح این شعار غیر اصولی جلب کدام نیرهای اجتماعی است؟ آیا اصولاً می‌توان برنامه‌هایی ارائه و تعهداتی ب مردم سپرد، که با قانون اساسی کنونی سازگاری ندارند؟ رئیس جمهور موظف است در چارچوب قانون اساسی انجام وظیفه کند و برای اینکار موظف به ادای سوگند است، چگونه بعضی وعده‌هایی میدهند که با قانون اساسی مغایرت است، قانون اساسی حاکمیت مردم را در چارچوب اصول (با تعاریف خود) برسمیت می‌شناسد، نه مطلق حکومت مردم بر مردم، که مورد تقاضای نیروهای لیبرال و برخاسته از پیش‌دموکراسی غربی است. آیا تساوی کامل سیاسی زن و مرد در قانون اساسی فعلی بیش‌بیشی و تضمین شده است، اگر که «آری» پس تعهد تازه‌ای نیست، و اگر نه، چگونه می‌خواهند همه را کلمه به کلمه جامه عمل بپوشانند و در همانحال به قانون اساسی وفادار بمانند؟

هدف از طرح شعارها و برنامه‌هایی از این قبیل در چارچوب هدف عمده مبارزه ضد امپریالیستی می‌گنجد؟ و کدام نیروها را بخود جذب می‌نماید؟ یادآور می‌شویم که دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران، برنامه حکومت خود را علیرغم فشارها برای ارائه بسیاری موارد و برنامه‌های رفاهی و مترقی و همه‌جانبه، تنها در دو ماده «خلق پد از شرکت نفت و اصلاح قانون انتخابات» محدود کرد. زیرا مسأله اصلی مبارزه با استعمار انگلستان و بایگامهای داخلی آن و طرح هر شعار و برنامه دیگر، نیروها را از مبارزه اصلی منحرف و تجزیه می‌کرد. بدیهی است وحدت خلق در مبارزه ضد امپریالیستی ضرورت دارد، اما این وحدت باید از طریق مبارزه با بایگامها و عوامل وابسته به امپریالیسم در داخل (سرمایه‌داری وابسته، ارتجاع، لیبرالیسم، پازمانده فئودالیسم، قراردادهای استعماری و وابستگی در ارتش و...) تحقق یابد، نه از طریق طرح برنامه‌های رفاهی و تقویت انگیزه‌های مادی، اکنون یکی از عوامل انحراف از مسیر اصلی انقلاب، طرح شعارهای رفاهی، بصورتیکه انگیزه‌های سیاسی خلق بخصوص کارگران، دهقانان، جرای خود را به انگیزه‌های صرفاً رفاهی بدهد، تکیه بر روی این انگیزه‌ها که میدانیم توسط لیبرالیسم حاکم و نیروهای فرصت‌طلب و ضد انقلابیون بعمل می‌آید، کارگران و دهقانان و توده‌های کارمند را از مبارزه ضد امپریالیستی منحرف می‌کند. هدف اصلی باید از آزاد کردن توده‌ها از سلطه سرمایه‌داری وابسته، فئودالها و قطع وابستگیهای استعماری می‌باشد. صبر انقلابی توده‌ها و قناعت در مصرف، جهاد برای تولید و سازندگی، قدم بعدی مبارزه ضد امپریالیستی است. پس برنامه اصلی نامزدهایی که به تضاد عمده با امپریالیسم اعتقاد دارند، باید مستمر مرکز

معیار استراتژیک مبارزه ضد امپریالیستی برهبری امام است باید جبهه خلقی حامی امام خمینی طرف خطاب قرار گیرند نه قشرها و عناصر و نیروهاییکه صرفنظر از هر انگیزه‌ای، عملاً در خط ضد امام خمینی و جبهه خلق حرکت کرده‌اند. بعضی کاندیدها برای جلب رأی روی شعارهایی تأکید میکنند و برنامه‌هایی ارائه میدهند که متلاً قشر افسران و نظامیان مخالف تصفیه ارتش و یا کارمندان مخالف تصفیه ادارات یا مخالفان جمهوری اسلامی و یا طرفداران لیبرالیسم و ارتجاع وابسته و نظایر آنرا جلب میکنند. و سرانجام جبهه متحده از نیروهای ضد انقلاب بوجود می‌آورد. رئیس جمهور باید انتخاب شود که فسارغ از

آیا اصولاً میتوان برنامه‌هایی ارائه و تعهداتی ب مردم سپرد که با قانون اساسی کنونی سازگاری ندارند؟

این اساس معتقد بودیم پیش از انتخابات ریاست جمهوری باید تمام تهیه و تدوین و تصویب شود تا در در کادر قانون اساسی رئیس جمهور قادر به سپنج تمامی خلق در مبارزه علیه دشمن اصلی باشد از این رو نونتیم که لااقل انتخابات مجلس شورای ملی را در صورت وجود شرایط مساعد می‌باید جلو می‌انداختند تا فرصت تدوین و تصویب قانون اساسی باشد.

ما معتقدیم که بدون حل مسئله حقوق ملیت‌ها، بدون نفی کامل فئودالیسم و مالکیت‌های ارضی، بدون نفی سرمایه‌داری وابسته و بدون انشای کامل ماهیت و عملکرد نیروهای لیبرالی و ارتجاعی، وحدت و انسجام جبهه خلق تحقق نمی‌یابد و مصلحت‌گرایی نباید سبب سکوت و ممانعت لیبرالیسم، ارتجاع، سرمایه‌داری یا سایر نیروهای ضد خلقی و بایگامهای امپریالیسم شود. هدف برنامه کاندیدا نباید تنها معطوف به جلب آراء مردم باشد. بلکه باید پایه اصولی داشته باشد باید هشیار بود که کدام نیروها و باجسه انگیزه‌هایی یکاندیدها رأی میدهند و آرایش نیروها سرانجام بسود کدام جبهه و خط «امپریالیسم یا خلق» خواهد بود. اگر

خطر انحراف مسیر انقلاب از کجاست؟

بقیه از صفحه ۱

اندکاران دادگاههای انقلاب و کمیته آزاد شده و حوزو رفیع مزاحمت و توقیف اموال گرفته و اجازه یافته تا با طرح‌های خائسانه و استثمار خود بمانند سابق بغارت توده‌های مردم بپردازد. مدارک زیر نشان دهنده یکی از صدها عملکرد انحرافی و غیر اصولی و ضدتوحیدی کساناست که بنام اسلام، در محکمه قضاوت اسلامی جا گرفته‌اند و نه تنها قدمهای مثبتی در جهت تداوم انقلاب برنمیدارند، بلکه با آزادی این قبیل عناصر مشکوک، به

تحصن دانشجویان عرب

در سبه جزیره عرب «عربستان سعودی» سرزمین وحی و محل قبله مسلمانان جهان، مبارزه‌ای بیگیر علیه ارتجاع حاکم و حکومت وابسته به امپریالیسم در جریان است. که برای نابودی رژیم ضد مردمی و ضد انقلابی قیام کرده‌اند. در هفته گذشته خواهران و برادران مسلمان از کشور عربستان برای اعتراض به دیکتاتوری و جنایات رژیم شاهنشاهی آل سعود که وابسته به امپریالیسم آمریکاست و حافظ منافع آن، در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند، تا یاد شهیدان بخون خفته خلق را گرمی دارند. متن اعلامیه‌ای که مطالعه می‌نمایند از جانب دانشجویان عربستان مقیم در ایران انتشار یافته است.

بسم الله رب المستضعفين وقاصم الجبارين «القتل لنا عاده.. وكرامتنا لله الشهاده»
حضرة سجاد (ع)
برادران و خواهران مسلمانان:
صفحات تاریخ امت اسلامی ما همیشه با خون شهیدان نوشته شده است. شهیدانی که در راه مبارزه با طاغوت و جهاد برای حق و آزادی به خاک و خون غلطیدند.

کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران
شماره ۲۸۴
گارت خبیر و مجاز با سلاح بدون سلاح
تاریخ ۹/۹/۵۸
آقای... نام پدر... شماره شناسنامه ۵۶
شغل... مجازند که...
مدت اعتبار از تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۳ تا تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۵
مهر و امضاء کمیته

بیت‌تعالی
شماره ۱۱۹۰
تاریخ ۸/۲/۱۳۵۸
گفته انقلاب اسلامی
عطف بنامه شماره ۲۵۲ مورخ ۵/۱/۱۳۵۸ و قدگی بپوست نامه صادره
به خوان بیت که کشور لغو می‌شود است کتاب به گله مراجع ذمه‌ای اسلام
فرمانید که از کار شرکت عمران...
در جهت شرکت کار شرکت همکاری لازم را نیز مبذول نمایند.
دکتر...
دکتر...

افشا کردید، ولی مجدداً از طرف مقامات بالا و مسئولین مراجع "انقلابی" آزاد شده تا اینکه صبر انقلابی مردم بسر آمده و اشتباهات برادرش را بجای وی نور کردند که این موجب فرار این عنصر مزدور گردید ولی در کوههای سلسا و ماکو دستگیر شد، در حالیکه جلیقه ضد گلوله به تن و کارت مجاز حمل سلاح از کمیته مرکزی تهران با خود داشت. کلبه نامه‌های دلیل خود نشان دهنده حرکت "انقلابی" مراجع و مسئولین قانونی است. تا قضاوت شما چه باشد؟

ما بعنوان اعتراض به اعمال و خشیانه و کشتارهای دسته‌جمعی بسوسله جلاخان آل سعود در سرزمین مقدس جزیره العرب و برای گرامیدانت اربعین شهیدان بخون خفته مسلمان منطقه شرقیه که در قیام عاشرای امسال به نهادت رسیدن سه روز تحصن و روزه سیاسی اعلام می‌داریم.

روحانیون مبارز و دانشجویان جزیره العرب (عربستان سعودی)
۱۳۵۸/۱۰/۱۸
دروغویان رژیم مسخ شده است... و کعبه منزل وحی قتلگاه شهیدان گشته است.
عاشورای امسال (۱۴۰۰) در منطقه شرقیه سبه جزیره عرب، کربلانی دیگر برپا بود، مردم حسین وار قیام کردند، و از انقلاب حسین و انقلاب اسلامی ایران، درس آزادی و استقلال و مقاومت را فرا گرفتند زنان و مردان و کودکان برای سرنگونی رژیم آل سعود بسریا خساستند، و سیاست اختناق و ظلم و زور و جبارگری حاکم بر جزیره عرب (عربستان سعودی) را محکوم کردند... و فریاد اعتراض نسبت به استقرار سربازان آمریکائی برای حمله نظامی به ایران در خاک جزیره عرب، برآوردند... که با باطوم و اسلحه‌های سربازان آمریکائی و گارد رژیم روبرو شدند... و بیش از ۶۰ شهید و صدها زخمی و زندانی بر جای گذاشتند. قیام عاشورای امسال، بسایه‌های بوسنالی رژیم آل سعود را در هم ریخت، و رژیم را مجبور ساخت که همان راهی را که محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران برای سرکوبی مبارزین و مقابله با انقلاب اسلامی ایران پیشه کرد، در پیش گیرد و کلبه نیروهای انتظامی از پلیس و گارد سلطنتی و رجال امنیتی را برای سرکوب مردم مسلمان به تمام نهرها و دهات منطقه شرقیه گسیل دارد، و مردم مسلمان و آزادیخواه را با گلوله‌های سربین به نهادت رسانند... تا نباید انقلاب را در نطفه خفه کنند.
اما... کور خوانده‌اند... که فرزندان انقلاب اسلامی جزیره العرب بیدار شده‌اند و همچنان استوار خواهند ماند.

هشدار به شورای انقلاب

بسم رب المسجونين
 اما بعد فان الله سبحانه قد جعل الدنيا لِمَا بعدها ، وابتلي فيها ، اهلبها ، لينلم انهم احسن عملا
 بعد از سیاسی خداوند ، پس براسی خداوند برتر ، دنیا را برای بعد از آن قرار داده است و اهل آن را در کسر در آن ساخته تا روشن سازد که کدامیک از نظر عمل مستندیده تر میباشد .
 امام علی (ع)

عمل ، ملاک سنجش را امام عمل قرار میدهد و آن هم عمل مستندیده در رابطه با تضادهای احساسی طعنا شعارهای تبلیغاتی و تحریک کننده و کنفرانسهای مطبوعاتی و سخنرانیهای چند ساعته و فریبنده و مهم زدنها و فریاد در بوقیهای تبلیغاتی رزی و پروپاگاندای رادیو و تلویزیون ، در مسکن امام علی همچو کونده ارسنی نباشد و ما حداقل نگاه ارسنی بندها میکند که در میدان عمل کارانی خود را نشان داده باشد و در جریان روبرویی با تضادها سر بلند و سرفراز بیرون آید .

بگناه وادی است که از درج اولین نامه مان در مطبوعات منگردد ، سه امید اینکه کوشش نتوانی وجود دارد و قربانان را منبند و نگاه در رابطه باطلی کدیما میروند انعکاسی مشاهده خواهیم نمود ، اما حد حبال واهی که کوشی یک حسن نامهای اصلا " درج شده و دادستان !!! کل انقلابی هم در این وادی وجود خارجی ندارد ، ما ، در آن نامه گفته بودیم که : دادستان منگردد ، پس زندانی سیاسی بداریم و ما سؤال کرده بودیم پس آنکی که به خاطر افکاری در زندان است چه چیز نام دارد ؟ آقای فدوسی منگردد ؛ پاسن از ۱۵ روز در سلول انفرادی کسی را زندانی میکنیم و ما بر سرده بودیم که پس چرا عزیزانمان از ۶ تا ۸ ماه است که در سلولهای انفرادی زندانی شدهاند ؟ دادستان کل انقلاب منگردد ؛ در موردی که شخص ریز باربری است و آن هم ۱۵ روز نه بیشتر ، ملاقات ندارد " و ما منگوشیم پس چرا بعضی از ابتدای دستگیری و بعضی دیگر را چندین ماه است (۶ ماه) که ملاقات ندادهاند ؟ و در میان ما بداین فریاده علی (ع) استناد کرده بودیم که بر بنسوانان است کدیما بیروان خود صداقت داشته باشد و بر کترین حساب ، احسانه است .

حال ما از شما به عنوان بالاترین ارکان تصمیم گیری و اجرایی میبوسم آیا جواب ندادن به نامه ما حسنی بصورت یک تکذیب نامه کوچک دلیل بر نایب غیر مستقیم مدارجات نامه ، از جانب دادستانی و مسئولین زندان اوسن نمیشد .
 زوری آقای البناوی (که معترف حضورتان هست) به ما در یکی از زندانسان در جواب این سؤال که در حاتی که ساواکیها را آزاد میکند و با کلکفشان را روشن نمیشدند چرا تکلیف بجهرا معلوم نمیکند منگردد ؛

ابن جاسوس آمریکائی کجاست و به چه نوطه ای مشغول می باشد ؟

روزنامه کیهان ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ در صفحه دوم تحت عنوان "۳۵ مقام بلند پایه دیکر رژیم سابق دستگیر شدند" از جمله از شخصی بنام " رضا امینی کارمند سفارت آمریکانام میبود . پس از این تاریخ تا امروز درباره شخص فوق الذکر کوچکترین اطلاعی در دسترس خلق مسلمان و نهضتمردان ایران قرار داده نشده است . اکنون ما با کلیشه کردن عکس شخص مذکور



گزارش راهپیمائی کانون اسلامی شورای کارخانجات فارس

● فیلم خبری کوتاهی نیز که توسط «سیمیای جمهوری اسلامی ایران» تهیه شد، از تیغ سانسور در امان نماند و پخش نگردید.

بنام خدا

کانون اسلامی نوراها و کارگران کارخانجات استان فارس که از سه ماه پیش کار خود را به طور مشخص شروع کرده در جهت بسیج بیشتر کارگران و یافتن قدرت اجرایی در سطح استان فارس و همچنین به علت ضرورت بنیبنیانی از دانشجویان مستقر در جاسوخانه آمریکا و در برابر جریان سازشکار لیبرالیسم برنامه مهاجرتی به مقم و تهران ترتیب داد که با اعلام و تبلیغ در کارخانه ها و اسم تویسی کارگران مراحل ابتدایی آنرا بنسرت سرگذاشته و آماده حرکت گردید . روز چهارشنبه ۱۲/۰۸/۵۸ ساعت ۶ بعد از ظهر کاروان ۹۰۰ نفری کارگران استان فارس مستنکل از ۱۵ واحد ۱ باره باقی ایکه - بوجیستون نسبتیه - ایران گاز - ایران نیبون - نرگس شیراز - کاسی حافظ - شرکت جکس - سلاستیکوتکنیک - کارگران عمران نهدردی - ایران فایده - شرکت بارس گاز - کارخانه یک و یک . و کارگران اصناف و بازار حرکت خود را بسوی نس شروع کرد . برطبق برنامه کاروان ساعت ۷ صبح به مقم رسیدیم و کارگران جهت ملاقات با امام و نظارهات در قم آماده شدند و صفوف نظارهات خود را منظم کردند . در ایسن راهپیمائی شمارهایی بر علیه امیرالیاسم آمریکا و لیبرالیسم سازشکار و سرمایه داران وابسته و فتودالها داده شد . بعد از برنامه ملاقات با امام کاروان ساعت ۳/۵ از قم بسوی تهران حرکت کرد پس از رسیدن به تهران خواهران و برادران کارگر در مسجد کوی دانشگاه نسب را گذراندند و صبح جمعه ۱۴/۰۸/۵۸ ساعت ۱۰ متشکل کردن صفوف خود با منظم کامل نظارهات پرسکوئی در خیابانهای ۱۶ از ، انقلاب ، قدس - طالقانی برگزار نموده بسوی لانه جاسوسی حرکت کردند در برابر لانه جاسوسی قطعنامه سنثار مهاجرت در نازده ماده خوانده شد با فریاد تکبیر کارگران تأنید گردید ۱۴ واحد فیلمبرداری خارجی که در محل حاضر بودند و در تمام مدتی که خواندن قطعنامه ادامه داشت از صفوف بسهم فترده حرکت بسرتور و انقلابی کارگران که زیر انبوهی از سلاکارها با شمارهایی علیه امیرالیاسم آمریکا جمع شده بودند فیلمبرداری می کردند چالب توجه اینکه فیلم خبری کوتاهی نیز که توسط سیمیای جمهوری اسلامی ایران تهیه شد ، از تیغ سانسور در امان نماند و پخش نگردید همانطور که دیدار ۹۰۰ نفر از کارگران نیز با امام در لایلابی دیگر اخبار کوتاه خلاصه گردید .

بسم الله الرحمن الرحيم

ترید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الاربین
 ای مستضعفین جهان ، ای رنجیدگان تاریخ ، شما و ارسان بر حق زمین و سما بسینویان حقیقی انسانهایید . سنت خدا ، سنت تغییرناپذیر حق است . زمان ، زمان قیام مستضعفین علیه مستکبرین است . زمان سرکوبی چارانی است که قرن ها بسا استعمار محکومین و ستم کشیدگان امپراطوری خود را محکم می نمایند و و همچنین در دنباله این قطعنامه جنین آمده است :
 ۱- بیکار دیگر و برای همیشه حمایت کامل خود را از رهبری سازشناپذیر انقلاب اسلامی امام خمینی در مبارزه همه جانبه ان بر علیه مستکبرین زمان و حمایت از مستضعفین اعلام میداریم .
 ۲- آمریکا سرکوره امیرالیاسم جهان خسوار را دسمن اصلی دانسته و از راه مبارزه قاطع از ایسن جهانخوار و تکیه بر محافل بسین المللی وابسته به امیرالیاسم که برآستی هرگونه امید از آنها را برید محکوم می نمایم .
 ۳- ما حمایت قاطع خود را از دانشجویان مسلمان بیرو خط امام اعلام می داریم و هر عمل سازشکارانه

جه کسانای عمل فرار سرلسرک غفاری فرماندار نظامی کازرون از زندان انقلاب بوده اند؟

بعد از سرکوبی رژیم منحط پهلوی بدست بوده های مستضعف ، خلق تهران به دستگیری عوامل مسردور رژیم گذشته و حمایتگاران که دستان به خون هزاران شهید آغشته بود ، اقدام نمودند . با تلاش و کوششهای صادقانه افراد و کمیته ها ، تقریبا " بساری از این عناصر وابسته و فاسد دستگیر و بحویل دادگاه های عدل انقلاب گردیدند . دراوائل بیروزی ، با قاطعیت کار دادگاههای انقلاب و بنا بر خواست اکثریت نوده ها ، تعداد زیادی از عاملین حیاسیت و ائمه کفر محکوم و اعدام شدند . اما بدکشت زمان و حاکمیت لیبرالها و نفوذ عناصر مرتجع در ارگانهای دولتی و کمیته ها و ... فشار بر دادگاههای انقلاب افزون گشت و با بوسه و سفارش این و آن بساری از مسدسین آزاد گشتند . آزادی اینگونه عناصر خائش و مزدور به رسد نیروهای صدامقلاب در جهت سازمان دادن خود ، کمک قابل نوحه ای نمود تا بدین صورت بتوانند هسته های خرابکاری و زور را برای ایجادیلوا ، آسوب ، شایعه پراکنی ، نوطه جنبی و ... نسکل دهند .
 نوبه ، بارز این افراد ، فرماندار نظامی کازرون است که ۱۰ ماه پیش بیکار دستگیر و معلوم نیست بجهه

۵ دی ۱۳۵۸

را در این مبارزه مقدس بر خلاف خواست توده های مستضعف می دانیم .
 ۴- این مبارزه مقدس آن گاه موفق خواهد شد که هرچه سر بستر اسناد جاسوسی مزدوران آمریکائی افتاء گردد . بنابراین ما از دانشجویان مسلمان مستقر در جاسوس خانه آمریکا می خواهیم که قاطعانه اسناد جاسوسی مزدوران آمریکا را افتاء کند .
 ۵- از دانشجویان عزیز مستقر در لانه جاسوسی آمریکا تقاضای محاکمه گسروگان ها را بسه عنوان جاسوسان سیا را داریم که سستی در این راه فرصت و میدان به دست سازشکاران است .
 ۶- دعوت دانشجویان مسلمان مستقر در جاسوس خانه آمریکا از جنبش های آزادی بخش گامی بزرگ در جهت گسترش هرچه بیشتر انقلابان در تسریع سرزمین های مستضعفین جهان و نسز حرکت بخش انقلاب های دیگر خواهد داشت در این رابطه پیشنهاد می کنیم دفتتری نسحت عنوان دفتسر هماهنگی جنبش های آزادی بخش جهان تشکیل گردد .
 ۷- با توجه به این که سازمان ملل را یکی از محافل امپریالیستی می دانیم که در جهت منافع آنها عمل می کند هرگونه سازش با این جامعه و نماینده آن یعنی کورت والدهایم که تا چندین بسین دست در دست شاه بود خلاف از خط امام می دانیم ما از تمام مراکز تصمیم گیری و اجرایی که نقش تعیین کننده ای در انقلاب دارد می خواهیم هنگام با حرکت برنور ضد امپریالیستی مردم در جهت قطع وابستگی و کسب استقلال سیاسی و اقتصادی عمل کنند و هرگونه ضعف و سستی را در این مورد خلاف خط قاطع و سازشناپذیر امام می دانیم .

۸- اصلاحات کساورزی تنها در مبارزه بسا فتودالیسم و زمین خواران امکان پذیر است و در این رابطه است که تأکید می کنیم زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند .
 ۹- ما از اقدامات استاد رضا اصفهانی در مبارزه با فتودالیسم حمایت کرده و هرگونه اعمال را در این امر مهم حرکتی ضد انقلابی و محافظه کارانه می دانیم .
 ۱۰- با توجه به اینکه صنایع وابسته امیرالیاسم را تشکیل می دهد خلق بد از سرمایه داران وابسته و کنترل صنایع سونتاژ توسط دولت را از مهم ترین وظایف مسئولین امر در ایسن مرحله از انقلاب می دانیم .
 ۱۱- گسترش هرچه بیشتر صنایع ملی و طرح برزی برای انتقاد بهسرت کارخانه های بزرگ صنعتی و تغییر هر برنامه کارخانه ای سونتاژ مانند ایران ناسیونال گامی عظیم در جهت قطع وابستگی و خودکفائی اقتصادی این امر از مهم ترین وظایف مسئولین می باشد .
 ۱۲- تجربه چندین مائه تعداد کارخانه ها که توسط نوراها اداره می شود نشان داده که کارکنان و کارمندان کارخانه توانائی اداره و کنترل امور را دارند در این ، رابطه در قوانین جدید کار قانون نوراها

باتش کشیدن کتابخانه توسط قشریون مذهبی

در یکی از محلات کاشان بنام سرک ، کتابخانه ای به اهتنام اهالی بخصوص جوانان تاسیس و مسورد استفاده همگان قرار گرفته است . در این کتابخانه علاوه بر کتب مذهبی - قرآن ، نهج البلاغه و تفسیرهای آن - از کتابهای مترقی دیگری از قبیل کتاب های سازمان مجاهدین خلق ایران ، شهید دکسر علی شریعتی ، دکتر بیمان ، دکتر نوابآشان فرد ، گلزاده سعوری و ... استفاده می شود . اما بساری از قشریون مذهبی در اوائل بطور مخفی ولی بعدا " بصورنی آسکار ، مخالفت خود را با ایجاد چنین کتابخانه ای ابراز داشتند . برآسرت مخالفت شدید قشریون ، کتابخانه به محل دیگری انتقال یافت . هواداران و مراجعه کنندگان به کتابخانه ، مرنا" مورد تغیب و آزار این تعداد معلوم الحال قرار گرفته اند ، تا اینکه در تاریخ ۲۴/۹/۵۸ دیوار پشت و سینه بالای کتابخانه خراب میسود ونوسط این افراد بارجه" بنزینی مشعل را بداخل کتابخانه می اندازند که در نتیجه مقدار زیادی از کتابها و بوسترهامسوزد و از بسین مسرودو خویشخانه قبل از اینکه آسنت کتابخانه را بکلی نابود سازد ، از بشکسری حریق جلوگیری بعمل می آید و آنرا خاموش میسازند .

